

## ۱۶۰ تست ادبیات دوازدهم - درس ۲

- ۱ کدام گزینه به مضمون بیت «صورتِ بی صورتِ بی حدّ غیب/ ز آینه ی دل تافت بر موسی ز جیب» اشاره دارد؟
- ۱) ز ماه نو چنان شد صیقلی آینه‌ی دل‌ها/ که هر کس هر چه در دل داشت بی مانع هویدا شد
  - ۲) مشرق خورشید تابان می‌شود «صائب» چو صبح/ سینه‌ی خود را به نور صدق اگر صیقل کنید
  - ۳) صیقل آینه‌ی حسن است چشم پاک ما/ می‌کند پنهان رخ او را ز ما بی‌جا نقاب
  - ۴) تا تو دامان تر خود نکنی خشک از آه/ نیست ممکن، شود آینه‌ی دل بی‌زنگار
- ۲ نوع بیان در کدام گزینه متفاوت است؟
- ۱) فقیه مدرسه دی مست بود و فتوا داد/ که می‌حرام ولی به ز مال اوقاف است
  - ۲) نگاه مرد خردمند بر حقیقت کار/ فقیه مدرسه درمانده‌ی اصول و فروع
  - ۳) خداوند کوپال و تیغ بنفش/ فروزنده‌ی کاویانی درفش
  - ۴) هر آن کس که دارد روانش خرد/ به چشم خرد کارها بنگرد
- ۳ بیت زیر با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟
- «گفت: دیناری بده پنهان و خود را وارهان / گفت: کار شرع کار درهم و دینار نیست»
- ۱) چون که مستم کرده‌ای حدم مزن / شرع مستان را نیارد حد زدن
  - ۲) درون محکمه بر ناز و عشوه افزایند / از آن سپس که ستانند رشوه قدر کفاف
  - ۳) آه از این واعظان منبرکوب / شرمشان نیست خود ز منبر و چوب
  - ۴) تو به دینار فشاندن بشکستی همه را / شاه دینار فشار باید و بدخواه شکن
- ۴ معنی واژه‌ی ردیف در کدام بیت متفاوت است؟
- ۱) کلک مشکین تو روزی که ز ما یاد کند / ببرد اجر دو صد بنده که آزاد کند
  - ۲) قاصد منزل سلمی که سلامت بادش / چه شود گر به سلامی دل ما شاد کند
  - ۳) یا رب اندر دل آن خسرو شیرین انداز / که به رحمت گذری بر سر فرهاد کند
  - ۴) امتحان کن که بسی گنج مرادت بدهند / گر خرابی چو مرا لطف تو آباد کند
- ۵ آرایه‌های مقابل همی ابیات تماماً درست است، به‌جز:
- ۱) با محتسبم عیب مگویند که او نیز / پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است (جناس، ایهام)
  - ۲) کمند عنبری از چین زلف دلبد است / فروغ مشتری از عکس روی دلدار است (حسن تعلیل، مجاز)
  - ۳) ابرویش بر ماه طاقی بسته بود / مردمی بر طاق او بنشسته بود (کنایه، استعاره)
  - ۴) با اهل فنا دارد هر کس سر یک‌رنگی / باید که به رنگ شمع از رفتن سر خندد (مجاز، تشبیه)

۶ مفهوم بیت زیر در کدام گزینه دیده می‌شود؟

- «دست از مس وجود چو مردان ره بشوی / تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی»
- ۱) خاک پای توست آن کش کیمیا داند خرد / بر مسی هرگز فکندش آسمان کان زر نشد
  - ۲) خاک راه فقر بودن آبروی ما بس است / گر مس مردم ز فیض کیمیا زر می‌شود
  - ۳) کمال دولتیم از عشق گشته سکه به زر / ز رنگ کاهی من نرخ کیمیا شکند
  - ۴) صد هزاران کیسه‌ی سوداییان در راه عشق / از پی این کیمیا خالی شد از زر عیار

۷ همه‌ی ابیات مفهومی نظیر بیت زیر دارند؛ به‌جز:

- «دست از مس وجود چو مردان ره بشوی / تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی»
- ۱) چون شبنم اوفتاده بدم پیش آفتاب / مه‌رم به جان رسید و به عیوق بر شدم
  - ۲) مس وجود تو تا عاقلی نگردد زر / به عشق دل ده و اکسیر را تماشا کن
  - ۳) جان‌گذاری اگر به آتش عشق / عشق را کیمیای جان بینی
  - ۴) مبر ظن کز سرم سودای عشقت / رود تا بر زمینم استخوان هست

۸ مفهوم کدام بیت با سایر ابیات تفاوت دارد؟

- ۱) گر گدای عشق باشی پادشاه عالمی / حکم تو گردد روان گر تو بری فرمان ما
- ۲) به همنشینی رندان سری فرود آور / که گنج‌هاست در این بی‌سری و سامانی
- ۳) گر شوی خاک گدای در میخانه‌ی عشق / مالک ملک جم و گنج فریدون باشی
- ۴) هرکسی بی‌خویشتن جولان عشقی می‌کند / تا به چوگان که درخواهد فتادن گوی دوست

۹ مفهوم بیت زیر در کدام گزینه تکرار نشده است؟

- «هر که داند گفت با خورشید راز / کی تواند ماند از یک ذره باز»
- ۱) چو غنچه دوخته‌ام کیسه‌ها به خرده گل / به برگ سبز شوم چون ز باغبان قانع؟
  - ۲) ز آب خضر حیات ابد تمنا کن / مشو ز تیغ شهادت به نیم جان قانع
  - ۳) خوش است لقمه که چشمی نباشد از پی آن / به خوردن دل خود گشته‌ام از آن قانع
  - ۴) جای رحم است پر آن فاخته کوته‌بین / که به یک سرو شد از عالم بالا قانع

۱۰ کاربرد دستوری ردیف در کدام گزینه متفاوت آمده است؟

- ۱) گوشه ابروی استغنا چه می‌سازی بلند؟ / می‌توان از گردش چشمی خمارم را شکست
- ۲) کند درست به حرفی شکسته ما را / کسی که توبه ما را به یک اشاره شکست
- ۳) قبله‌گاه من، کلاه سرگردانی کج منه / طاق ابروی تو می‌ترسم نهد رو در شکست
- ۴) چه‌ها کند به سبوی شکسته بسته من / می‌ای که شیشه افلاک را به زور شکست

۱۱ مفهوم کدام بیت با بیت زیر متناسب است؟

- «دست از مس وجود چو مردان ره بشوی / تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی»
- ۱) نقطه و دایره و قطره و دریاست یکی / خودپرستان جهان، ما و منی ساخته‌اند
  - ۲) درّی از اسباب ما و من به حق پیوستن است / قطره را از خود گسستن دل به دریا بستن است
  - ۳) من چنان عاشق رویت که ز خود بی‌خبرم / تو چنان فتنه خویشی که ز ما بی‌خبری
  - ۴) تا نفس باقی است، ما و من به‌جاست / شمع بی‌کشتن نمی‌گردد خموش

۱۲

- کدام بیت با سایر ابیات تقابل معنایی دارد؟
- ۱) نفس سرکش بی‌ریاضت رهنما کی می‌شود؟ / ازدها فرعون را در کف عصا کی می‌شود؟
  - ۲) به جد و جهد اگر گرگ، گوسفند شود / شیر هم به ریاضت سلیم می‌گردد
  - ۳) بی‌ریاضت ره به چشم خلق نتوان یافتن / دانه بعد از آرد گشتن قابل پرویز نیست
  - ۴) به اصلاح فساد جسم سامان ریاضت کن / نم لغزش به خشکی می‌توان برداشت از گلها

۱۳

- مفهوم کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟
- ۱) صدق‌کیشان را فلک در خاک بنشانند چو تیر / سرو این گلشن به جرم راستی پا در گلست
  - ۲) خواهی از مرد خدا را تو نکو بشناسی / صلح میزان بود و صدق و صفا معیار است
  - ۳) زاهد از بزم حریفان به سلامت برخیز / عشق و جانبازی و رندی به ریا نتوان کرد
  - ۴) به ساحل می‌تواند برد رخت از فیض یکرنگی / چو موج آن کس که سامان می‌دهد از آب کشتی را

۱۴

- کدام بیت با بیت «شور شراب عشق تو آن نفسم رود ز سر / کاین سر پر هوس شود خاک در سرای تو» تقابل معنایی دارد؟

- ۱) بماند داغ تو در سینه یادگار و نماند / فروغ روی تو در چشم اشکبار دریغ
- ۲) بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک / بگفت آن‌گه که باشم خفته در خاک
- ۳) به خوابگاه عدم گر هزار سال بخسبم / به خواب عافیت آن‌گه به بوی موی تو باشم
- ۴) پیش از من و تو بسیار بودند و نقش بستند / دیوار زندگی را زین گونه یادگاران

۱۵

- کدام جفت بیت‌ها با هم قرابت مفهومی دارد؟
- ۱) بگفتا جان فروشی در ادب نیست / بگفت از عشق‌بازان این عجب نیست
  - ۲) حق ستون این جهان از ترس ساخت / هر یکی از ترس جان در کار باخت
  - ۳) بگفت او آن من شد زو مکن یاد / بگفت این کی کند بیچاره فرهاد؟
  - ۴) هرگز نقش تو از لوح دل و جان نرود / هرگز از یاد من آن سرو خرامان نرود
  - ۵) بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک / بگفت آن‌گه که باشم خفته در خاک
  - ۶) چو چشم مست تو خواجو به حشر یاد کند / ز خوابگاه عدم نیمه‌مست برخیزد
  - ۷) بگفت از دل شدی عاشق بدین‌سان؟ / بگفت از دل تو می‌گویی من از جان
  - ۸) اکنون که شدی عاشق و بد روز ای دل / تن در ده و جان کن و جگر سوز ای دل

۱۶

- در کدام بیت نوع بیان متفاوت است؟
- ۱) هر کجا که داری می، جمله در حضور آور / بیم محتسب تا کی، می بیار و بادآباد
  - ۲) یک قطره باد در ته خمخانه‌ام نماند / از بس که محتسب به لب امتحان چشید
  - ۳) گر کند رندی نظر بازی رواست / محتسب هم گاه‌گاهی می‌کند
  - ۴) حدیث حافظ و ساغر که می‌زند پنهان / چه جای محتسب و شحنه، پادشه دانست

www.my-dars.ir

مفهوم دوبیتی زیر با همه‌ی ابیات، یکسان است؛ به جز:

- «کواکب گر همه اهل کمالند / چرا هر لحظه در نقص و وبالند  
چرا گه بر حضيض و گه بر اوچند / گهی تنها فتاده گاه زوجند»
- ۱) سماع ناهید آخر ز مردمان که شنید / که خواند او را اخترشناس خنیاگر
  - ۲) چه بد تواند کردن مهی که گوی زمین / کندش تیره از آن پس که باشد او انور
  - ۳) در آفتاب اگر ذره قدرتی بودی / سیاهروی نگشتی ز جرم قرص قمر
  - ۴) ز اختران که همه سرنگون کنند غروب / چه سعد باشد و نحس و چه نفع باشد و ضرر؟

مفهوم کدام بیت با سه بیت دیگر یکسان نیست؟

- ۱) چون که مستم کرده‌ای حدّم مزن/ شرع، مستان را نیند حد زدن
- ۲) گفت باید حد زند هشیار مردم مست را/ گفت هشیاری بیار این جا کسی هشیار نیست
- ۳) می‌خور که شیخ و حافظ و مفتی و محتسب/ چون نیک بنگری همه تزویر می‌کنند
- ۴) ز کوی میکده دوشش به دوش می‌برند/ امام شهر که سجاده می‌کشید به دوش

در کدام گزینه نادرستی املائی وجود دارد؟

- ۱) چو عاجز گشت خسرو در جوابش / نیامد بیش پرسیدن ثوابش
- ۲) بیا که قصر امل سخت سست بنیاد است / بیار باده که بنیاد عمر بر باد است
- ۳) پر زنان در پرتو مطلوب شد / شمع غالب گشت و او مغلوب شد
- ۴) اگر شب‌ها همه قدر بودی / شب قدر بی‌قدر بودی

همه‌ی گزینه‌ها با بیت «به روز مرگ، چو تابوت من روان باشد/ گمان مبر، که مرا درد این جهان باشد» تناسب دارند،

به جز .....

- ۱) چون ندارد ریشه در صحرای امکان گردباد/ می‌برد آوارگی زود از بیابان گردباد
- ۲) از ره صحرانوردان تا توان پرچید خار/ نیست ممکن پای خود پیچد به دامان گردباد
- ۳) نیست با تن جان وحشت دیده را دل بستگی/ می‌فشاند گرد هستی از خود آسان گردباد
- ۴) ریشه در خاک تعلق نیست اهل شوق را/ می‌رود بیرون ز دنیا پای‌کوبان گردباد

همه‌ی بیت‌های زیر به جز ..... در مفهومی مشترک هستند.

- ۱) بنیاد هستی تو چو زیر و زبر شود / در دل مدار هیچ که زیر و زبر شوی
- ۲) یار مردان خدا باش که در کشتی نوح / هست خاکی که به آبی نخرد طوفان را
- ۳) یک دم غریق بحر خدا شو گمان مبر / کز آب هفت بحر به یک موی تر شوی
- ۴) چو عاشق می‌شدم گفتم که بردم گوهر مقصود / ندانستم که این دریا، چه موج خون‌فشان دارد

از دید تاریخ ادبیات و گونه‌شناسی کدام گزینه درست نیست؟

- ۱) برخی از آثار طنز جنبه‌ی تعلیمی دارند.
- ۲) سیف‌الدین محمد فرغانی در سده‌ی هفتم هجری می‌زیست.
- ۳) «مست و هشیار» پروین اعتصامی در قالب قصیده سروده شده است.
- ۴) شعر «آزادی» را عارف قزوینی در اعتراض به بیدادگری محمدعلی شاه سروده است.

۲۳

- آرایه‌ی ذکر شده در مقابل همه‌ی ابیات، به‌جز گزینه‌ی ..... درست است.
- ۱) گفت مستی زان سبب افتان و خیزان می‌روی / گفت جرم راه رفتن نیست ره هموار نیست (حسن تعلیل)
  - ۲) شانه می‌آید به کار زلف در آشفستگی / آشنایان را در ایام پریشانی بپرس (اسلوب معادله)
  - ۳) چو خواهی که پیدا کنی گفت‌وگوی / بیاید زدن سنگ را بر سوی (کنایه)
  - ۴) عاشق آن باشد که چون آتش بود / گرم رو سوزنده و سرکش بود (تشبیه)

۲۴

مفهوم دقیق بیت زیر در کدام گزینه نیامده است؟

- «بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک / بگفت آن‌گه که باشم خفته در خاک»
- ۱) شور شراب عشق تو آن نفسم رود ز سر / کاین سر پرهوس شود خاکِ در سرای تو
  - ۲) در آن نفس که بمیرم در آرزوی تو باشم / بدان امید دهم جان که خاک کوی تو باشم
  - ۳) عشق داغی است که تا مرگ نیاید، نرود / هر که بر چهره از این داغ نشانی دارد
  - ۴) مگر به سختی گور از بدن برون آید / وفا و مهر که در مغز اسخوانی رفت

۲۵

مفهوم کدام گزینه از بقیه دورتر است؟

- ۱) بشر ماورای جلالش نیافت / بصر منتهای جمالش نیافت
- ۲) جهان متفق بر الهیتش / فرومانده در گُنه ماهیتش
- ۳) و گر سالکی محرم راز گشت / ببندند بر وی در بازگشت
- ۴) توان در بلاغت به سبحان رسید / نه در گُنه بی چون سبحان رسید

۲۶

کدام گزینه به لزوم پیروی از رهبر و مرشد اشاره نکرده است؟

- ۱) آیین طریق از نفس پیر مغان یافت / آن خضر که فرخنده پی‌اش نام نهادند
- ۲) سالک راه به منزل برسد آخر کار / هست پیر طریقت اگرش همراه است
- ۳) در سراپرده دل خانه خدا را طلبید / این چنین خانه خدا بهر خدا را طلبید
- ۴) قطع این مرحله بی‌همراهی خضر مکن / ظلمات است بترس از خطر گمراهی

۲۷

مفهوم کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟

- ۱) مرغی ز دلم گر ز پس مرگ بسازند / جایی نپرد جز به در و بام سرایت
- ۲) به وقت صبح قیامت که سر ز خاک برآرم / به گفت‌وگوی تو خیزم به جست‌وجوی تو باشم
- ۳) بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک / بگفت آن‌گه که باشم خفته در خاک
- ۴) مرگ از محبت تو خلاصم نمی‌کند / در زیر خاک هم دل من پای‌بست توست

۲۸

کدام گزینه به مضمون بیت «صورتِ بی صورتِ بی حدّ غیب / ز آینه‌ی دل تافت بر موسی ز جیب» اشاره دارد؟

- ۱) ز ماه نو چنان شد صیقلی آینه‌ی دل‌ها / که هر کس هر چه در دل داشت بی مانع هویدا شد
- ۲) مشرق خورشید تابان می‌شود «صائب» چو صبح / سینه‌ی خود را به نور صدق اگر صیقل کنید
- ۳) صیقل آینه‌ی حسن است چشم پاک ما / می‌کند پنهان رخ او را ز ما بی‌جا نقاب
- ۴) تا تو دامان تر خود نکنی خشک از آه / نیست ممکن شود آینه‌ی دل بی‌زنگار

۲۹ مفهوم بیت «هر که داند گفت با خورشید راز/ کی تواند ماند از یک ذره باز؟» با کدام گزینه متناسب‌تر است؟

- ۱) حجاب سهل بسیار است ارباب بصیرت را/ نظر را برگ کاهی از پریدن بازمی دارد
- ۲) من این مزگان گیرایی کز آن خوش چشم می‌بینم/ نگاه وحشیان را از رمیدن بازمی دارد
- ۳) نمی‌سازد به خود مشغول دنیا اهل بینش را/ که وحشت آهوان را از چریدن بازمی دارد
- ۴) ره همواره پیش دوربینان این خطر دارد/ که رهرو را ز پیش پای دیدن بازمی دارد

۳۰ مفهوم بیت زیر از کدام بیت، دریافت نمی‌شود؟

«بگفتا گر نیابی سوی او راه / بگفت از دور شاید دید در ماه»

- ۱) اگر نصیب نبخشی ز لاله و سمنم / ز دور باز مدار از تفرّج چمنم
- ۲) از نوبهار وصلت رنگیم اگر نباشد / فی‌الجمله از هوایت بوی توان شنیدن
- ۳) گر ز باغ وصل گل رنگی و بویی بهره نیست / بلبل شوریده را آخر تماشا می‌رسد
- ۴) وصل تو اجل را ز سرم دور همی داشت / از دولت هجر تو کنون دور نمانده است

۳۱ کدام گزینه به ترتیب، معانی واژه‌های «وردها، فروگذاشتن، حق مالک، تاوان گرفتن» است؟

- ۱) اذکار، اهمال، بهره، مصادره
- ۲) اوراد، صُغیان، عقار، ترفیع
- ۳) ادعیه، اهمال، ضیعت، غرامت
- ۴) ادعیه، ارتجال، سهم، غرامت

۳۲ بیت زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

«بگفتا گر نیابی سوی او راه / بگفت از دور شاید دید در ماه»

- ۱) خورشید با جمالت چون سایه ره‌نشینی / گردون به جست‌وجویت چون ماه هرزه‌گردی
- ۲) حسن را بی‌پرده دیدن از ادب دور است دور / دیده‌ی ما شرمگینان چون زره زیر قباست
- ۳) حسن دریایی است بی‌پایان و آبش گوهر است / عاشق صاحب‌نظر دارد مراد از دلبران
- ۴) بگذار تا ز طرف نقابت شود پدید / حسنی که کس ندارد و رویی که کس ندید

۳۳ کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟

«زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست / در حق ما هر چه گوید جای هیچ اکراه نیست»

- ۱) زاهد ایمن مشو از بازی غیرت زنهار / که ره از صومعه تا دیر مغان این همه نیست
- ۲) گر مدد خواستم از پیرمغان عیب مکن / شیخ ما گفت که در صومعه همّت نبود
- ۳) بر من آسان است اگر صد پاره سازم دل ز درد / پیش بی‌دردان گریبان پاره کردن مشکل است
- ۴) زاهد پشیمان را ذوق باده خواهد کشت / عاقلاً مکن کاری کآورد پشیمانی

## گروه آموزشی عصر

۳۴ مفهوم کدام بیت با بیت زیر، یکسان نیست؟

«با محتسبم عیب مگویند که او نیز / پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است»

- ۱) ز سنگ محتسب شهر غم مخور ساقی / سپرده‌ایم به پیر مغان سبوی تو را
- ۲) مجلس می‌شیشه و پیمانهای بسیار داشت / هیچ کس چون محتسب مستانه نشکست و نریخت
- ۳) می‌خور که شیخ و حافظ و مفتی و محتسب / چون نیک بنگری همه تزویر می‌کنند
- ۴) صوفی ز کنج صومعه با پای خم نشست / تا دید محتسب که سبو می‌کشد به دوش

۳۵

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات، تفاوت دارد؟

- (۱) دل شکسته‌ی حافظ به خاک خواهد برد / چو لاله داغ هوایی که بر جگر دارد
- (۲) چنین که در دل من داغ زلف سرکش توست / بنفشه‌زار شود تربتم چو در گذرم
- (۳) به عشق روی تو روزی که از جهان بروم / ز تربتم بدمد سرخ گل به جای گیاه
- (۴) باشد غم هجر تو به خونابه بر آن نقش / گر از سر خاکم بدمد برگ گیاهی

۳۶

در کدام عبارت، «غلط املائی» وجود دارد؟

- (الف) اسراف آن باشد که برخلاف رضای حق و در حظ نفس خرج کند.
  - (ب) اعراض، روی از خدای گردانیدن است و به هوا مشغول شدن.
  - (ج) غرور، جاه و مال و فریفته شدن و صراط و صواب و ترازو را فراموش کردن است.
  - (د) در حفظ مال و ملک رعیت کوشند و در امارت و زراعت جد بلیغ نمایند.
- (۱) الف، د      (۲) ب، د      (۳) ب، ج      (۴) ج، د

۳۷

کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟

«بگفتا گر خرامی در سرایش / بگفت اندازم این سر زیر پایش»

- (۱) به سر سبز تو ای سرو که گر خاک شوم / ناز از سر بنه و سایه بر این خاک انداز
- (۲) ای که در کوچهی معشوقه‌ی ما می‌گذری / بر حذر باش که سر می‌شکند دیوارش
- (۳) هزار حیلہ برانگیخت حافظ از سر فکر / در آن هوس که شود آن نگار رام و نشد
- (۴) کمینه شرط وفا ترک سر بود حافظ / برو برو ز تو این کار اگر نمی‌آید

۳۸

کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟

«چشم دل باز کن که جان بینی / آنچه نادیدنی است آن بینی»

- (۱) در رکاب برق دارد پای فیض صبحگاه / ای کم از شبنم در این گلزار چشمی باز کن
- (۲) پاک کن روزنه‌ی دیده‌ی خود را ز غبار / اگر از چشمه‌ی خورشید ضیا می‌طلبی
- (۳) چشم من جز دیدن رویت ندارد هیچ کار / راستی را روشن و خوب است رای چشم من
- (۴) دیده‌ی خود را در این بستان‌سرا چون آفتاب / کاسه‌ی دریوزه‌ی شبنم گدایی چون کنم؟

۳۹

مضمون کدام بیت با قطعه مست و هوشیار قرابت دارد؟

- (۱) نه قاضی‌ام نه مدرس نه محتسب نه فقیه / مرا چه کار که منع شراب‌خواره کنم
- (۲) قاضی ار با ما نشیند برفشانند مست را / محتسب گر می‌خورد معذور دارد مست را
- (۳) گر شود پاس تو در ملک طبیعت محتسب / آسمان انگشت نهد تا ابد بر منکری
- (۴) محتسب خم بشکست و من سر او / سن بالسن (دندان در برابر دندان) و الجروح قصاص

۴۰

ابیات زیر با چه واژه‌ای کامل می‌شود؟

پدید آمد ..... ی آتش‌انگیز / نه گلگون ماند بر آخور نه شب‌دیز  
 تبه شد لشگرش در ..... ذیقار / عقابش را کبوتر زد به منقار

- (۱) مغان - تموز      (۲) بحر - نمط      (۳) شیهه - ایل      (۴) سموم - حرب

۴۱

مفهوم کدام بیت با بقیه تفاوت دارد؟

- ۱) همه ذرات خود را دان تو کثرت / ز کثرت در گذر شو سوی وحدت
- ۲) تویی خلاق هر بالا و پستی / تویی پیدا و پنهان هر چه هستی
- ۳) که یکی هست و هیچ نیست جز او / وحده لا اله الا هو
- ۴) می صرف وحدت کسی نوش کرد / که دنیا و عقبی فراموش کرد

۴۲

مفهوم بیت «هر که داند گفت با خورشید راز / کی تواند ماند از یک ذره باز» با کدام بیت قرابت معنایی دارد؟

- ۱) و گر خورشید در مجلس نشیند / نپندارم که همتای تو باشد
- ۲) ذره‌ای در همه اجزای من مسکین نیست / که نه آن ذره معلق به هوای تو بود
- ۳) چون به دریا می‌توانی راه یافت / سوی یک شبم چرا باید شتافت
- ۴) آهنگ دراز شب ز من پرس / کز فرقت تو دمی نخفتم

۴۳

کدام گزینه با بیت زیر تقابل معنایی دارد؟

- «بیرون ز تو نیست هر چه در عالم هست / در خود بطلب هر آنچه خواهی که تویی»
- ۱) بیرون ز تو نیست آنچه می‌خواسته‌ام / فهرست کتاب آرزوهای منی
  - ۲) هیچ خیری ندیدم اندر خود / شکر کز شر خود شدم آگاه
  - ۳) زنگی زشت در بلاجویی / خوش دلی یافت در سیه‌رویی
  - ۴) غیب خواهی خودی ز ره بردار / غیب را با سرای غیب چه کار

۴۴

کدام گزینه با بیت «دست از مس وجود چو مردان ره بشوی / تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی» متناسب است؟

- ۱) مدار نقطه‌ی بینش ز خال توست مرا / که قدر گوهر یک دانه جوهری داند
- ۲) در جهان نایاب شد خاک سیه چون کیمیا / بس کز این ماتم به سر کردند در هر کشورش
- ۳) داشتم ناقص مسی وز کیمیای لطف تو / آن مس ناقص همه زر شد زر کامل عیار
- ۴) منسوخ شد مروّت و معدوم شد وفا / وز هر دو ماند نام چو سیمرغ و کیمیا

۴۵

مفهوم کدام بیت با بقیه بیت‌ها متفاوت است؟

- ۱) بگفت آن‌جا به صنعت در چه کوشند / بگفت انده خرنده و جان فروشند
- ۲) گرچه در بازار عشق هر کسی چیزی خرید / ما به سودای غم او خویش را بفروختیم
- ۳) بگفت از دل شدی عاشق بدین سان / بگفت از دل تو می‌گویی من از جان
- ۴) چو عشق او جهان بفروخت بر ما / به جان و دل غم عشقش خریدم

۴۶

مفهوم کدام ابیات زیر با هم قرابت دارند؟

- الف- دست از مس وجود چو مردان ره بشوی / تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی
- ب- درخت همتش را بین که هست از کم‌ترین برگش / معلق هفت دریای فلک چون قطره شبم
- ج- شبم به آفتاب رسید از فروتنی / افتاده شو مگر تو هم از خاک بر شوی
- د- چون شبم آب دیده من در فراق تو / برگرد می‌نشیند و در خاک می‌رود
- ه- چون شبم اوفتاده بدم پیش آفتاب / مهرم به جان رسید و به عیوق (نام ستاره‌ای) برشدم

- ۱) «الف» و «ه»      ۲) «ب» و «ج»      ۳) «د» و «ه»      ۴) «ج» و «د»



کدام گزینه با بیت «چو در وقتِ بهار آبی پدیدار / حقیقت، پرده برداری ز رُخسار» تناسب معنایی بیش‌تری دارد؟

مردان خدا پرده‌ی پندار دریدند/ یعنی همه‌جا غیر خدا هیچ ندیدند»

۱) هر ذره ز مهر توست جانی بی‌تاب/ هر شب‌نمی از یاد تو چشمی پر آب

هر برگ گلی است یک کتاب از سخت/ هر غنچه کتاب‌خانه‌ای پر ز کتاب

۲) ای آن‌که تو را خانه‌ی آراسته است/ عمر تو در افزونی آن کاسته است

در هر گل این زمین چو شب‌نم هر روز/ صد چون تو نشسته است و برخاسته است

۳) هر کس که در این زمانه عزت جوید/ باید که ره دروغ‌گویی پوید

عینک ز آن رو دو چشم مردم شده است/ کز نیک و بد آن‌چه بیند افزون گوید

۴) خواهی که شود بر سر خلقت مسکن؟/ اول باید خاک قدم‌ها گشتن

تا آب به پای نخل نگذارد سر/ کی بر سر شاخ می‌تواند رفتن؟

مفهوم بیت زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

«بگفت آسوده شود کاین کار خام است / بگفت آسودگی بر من حرام است»

۱) هر جا که دلی هست ز غم فرسوده است / کس نیست که از رنج جهان آسوده است

۲) هست اگر آسایشی زیر فلک در غفلت است / وای بر آن‌کس کز این خواب گران برخاسته است

۳) غم ایام را ضامن نه‌ای فارغ نشین ای دل / چه در خون می‌تبی آسودگی هم عالمی دارد

۴) جای آسایش چه می‌جویی رهی در ملک عشق؟ / موج را آسودگی در بحر بی‌پایاب نیست

مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات، متفاوت است؟

۱) بگفتا گر نیابی سوی او راه؟ / بگفت از دور شاید دید در ماه

۲) کرده‌ام روی چو خورشید تو را نسبت به ماه / مه کجا رویت کجا بسیار دور افتاده‌ام

۳) چون ماه نو به نگاهی ز دور خرسندم / که کوتاه است مرا دست و آن رکاب بلند

۴) نه گنج وصل تمنا کنم نه گنج حضور / خوشم به خواری هجر و نگاه دورادور

مفهوم «بی‌تعلقی و عدم وابستگی» از همه ی ابیات دریافت می‌شود؛ به‌جز:

۱) آبروی خود به خاک تیره یکسان کرده‌اند / هر چه جز همت گدایی از در دل‌ها کنند

۲) به زیر پای کسی کز سر جهان خیزد / فلک چو سبزه‌ی خوابیده پی سپر گردد

۳) پاک اگر شویند دست از چرک دنیا خاکیان / دست در یک کاسه با خورشید چون عیسی کنند

۴) آن‌چه می‌خواهند از دنیا به ایشان رو نهد / رو به دنیا کردگان گر پشت بر دنیا کنند

کدام بیت با بیت زیر، مفهوم یکسانی دارد؟

«چون شب‌نم اوفتاده بدم پیش آفتاب / مهرم به جان رسید و به عیوق بر شدم»

۱) صائب بریز اشک که در آفتاب حشر / خواهد گرفت دست تو را این گلاب تلخ

۲) جز به جولانگاه خوبان کی توان دیدن مرا / ذره‌ام در پرتو خورشید پیدا می‌شود

۳) عاشق صادق بود گر پاکدامان هم‌چو صبح / گل به دامان چیند از خورشید تابان هم‌چو صبح

۴) صائب ز فیض جاذبه‌ی عشق عاقبت / با آفتاب، ذره‌ی من هم رکاب شد

مفهوم کلی همه ابیات با یکدیگر تناسب دارند؛ به جز:

- (۱) چه کوشی بهر یک گوهر به کان تیره‌ی هستی / تو خود هم گوهری گر تربیت یابی و هم کانی
- (۲) چرا تا زر و دارویت هست از درد بخروشی / چرا تا دست و بازویت هست از کار وامانی
- (۳) چو زرع و خوشه داری از چه معنی خوشه‌چین هستی / چو اسب و توشه داری از چه اندر راه حیرانی
- (۴) چه زنگی می‌توان از دل ستردن با سیه‌رایی / چه کاری می‌توان از پیش بردن با تن‌آسانی

ابیات زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

- «ای نسخه‌ی نامه‌ی الهی که تویی / وی آینه‌ی جمال شاهی که تویی  
بیرون ز تو نیست هرچه در عالم هست / در خود بطلب هر آنچه خواهی که تویی»
- (۱) اگر امروز این عالم نبینی / در آن عالم به صد حسرت نشینی
  - (۲) گر من در این سرای نبینم در آن سرای / امروز جای خویش چه باید بصر مرا
  - (۳) سال‌ها دل طلب جام جم از ما می‌کرد / و آنچه خود داشت ز بیگانه تمنّا می‌کرد
  - (۴) دمی با حق نبودی چون زنی لاف شناسایی / تمام عمر با خود بودی و نشناختی خود را

همه‌ی ابیات با یکدیگر قرابت مفهومی دارند؛ به جز:

- (۱) گو برو در پس زانوی سلامت بنشین / آن‌که از دست ملامت به فغان می‌آید
- (۲) مترس از جان‌فشانی گر طیق عشق می‌پویی / چو اسماعیل باید سر نهادن روز قربانی
- (۳) زبان تیشه با فرهاد گفتا در دم رفتن / که راه کوی شیرین را ز سر باید قدم کردن
- (۴) دل در طلب خنده‌ی شیرین تو خون شد / جان در طمع لعل شکرخای تو افتاد

کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- (۱) این است کمال بنده در راه یقین / در هرچه نظر کند خدا را ببند
- (۲) که جهان صورت است و معنی اوست / ور به معنی نظر کنی همه اوست
- (۳) غیر او نیست در جهان موجود / ببند آن کاو به عشق بینا شد
- (۴) زین آفرینش آنچه تو خواهی ز جزء و کل / در نفس خود بجوی که جامی جهان‌نماست

کدام بیت، می‌تواند مفهومی نظیر بیت زیر در ذهن ایجاد کند؟

- «بگفتا دوری از مه نیست در خور / بگفت آشفته از مه دور بهتر»
- (۱) به جلوه‌های صنوبر قدان ز راه مرو / نگاهداری دل کن پی نگاه مرو
  - (۲) با نگاه دور قانع شو که مه با آفتاب / هر قدر نزدیک‌تر گردید لاغر می‌شود
  - (۳) دوری ز دوستان سبک روح مشکل است / و نه ز هر چه هست جدا می‌توان شدن
  - (۴) بخت خواب‌آلود ما اقبال دیدارت نداشت / گر به خواب ای دولت بیدار می‌آیی بیا

۵۷

ابیات کدام گروه دارای مفهوم یکسانی هستند؟

- الف) بیا و هستی حافظ ز پیش او بردار / که با وجود تو کس نشنود ز من که منم  
 ب) با وجود این چنین زار و نزار / بر بساط معرفت جولان ماست  
 ج) چو با خود خوش نمی‌باشم بیا تا با تو خوش باشم / چو مهر از خویش ببریدم بیا تا با تو پیوندم  
 د) تو در کنار من آ تا من از میان بروم / که هر کجا که برآید یقین گمان برخاست  
 ه) این هم روا ندارم که آبی برای جانی / بگذار تا برآید در آرزوت جانم
- ۱) الف، ب، ج      ۲) الف، ج، د      ۳) ب، ج، د      ۴) ب، د، ه

۵۸

کدام بیت، با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؟

- «بگفتا جان مده بس دل که با اوست / بگفتا دشمن اند این هر دو بی دوست»  
 ۱) ور بماند جان تو در بند خویش / جان تو نانی نیرزد والسّلام  
 ۲) دل خود دریغ نیست که از دست من برفت / جان عزیز بر کف دست است گو بخواه  
 ۳) جان چیست نیم برگ ز گلزار حسن تو / دل چیست یک شکوفه ز برگ و نوای تو  
 ۴) ای جان اگر رضای تو غم خوردن دل است / صد دل به غم سپارم بهر رضای تو

۵۹

معنی واژه‌ی ردیف در کدام بیت با سایر ابیات، تفاوت دارد؟

- ۱) از دل سنگین لیلی کعبه‌ی جان ساختند / از غبار خاطر مجنون بیابان ساختند  
 ۲) خضر را زخم نمایان گشت عمر جاودان / تیغ سیراب تو را روزی که عریان ساختند  
 ۳) از هوسناکان حذر کن کاین گروه بی ادب / مصر را بر یوسف بی جرم زندان ساختند  
 ۴) می‌توان دامان بوی گل گرفت از دست باد / وای بر جمعی که وقت خود پریشان ساختند

۶۰

در کدام بیت غلط املائی وجود دارد؟

- ۱) در این سودا که با شمشیر تیز است / صلاح گردن افزازان گریز است  
 ۲) دل به آفت واگذار و ایمن از طوفان برآ / برکنار این کشتی از هول نهنگان می‌رسد  
 ۳) سیه غلامکم از خوش دلی صفیری زد / که خواجه مژده که از ره یکی سفیر آمد  
 ۴) تا در سرای شادی و غم در زبان فتد / چون نیک و بد ثواب و خطا کرد روزگار

۶۱

بیت زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

- «زاهد که درم گرفت و دینار / زاهدتر ازو کسی به دست آر»  
 ۱) تبرک از در قاضی چو باز آوردی / دیانت از در دیگر برون رود ناچار  
 ۲) دگر مگوی که من ترک عشق خواهم کرد / که قاضی از پس اقرار نشنود انکار  
 ۳) قارون گرفتمت که شدی در توانگری / سگ نیز با قلاده ز زین همان سگ است  
 ۴) اگر چه زاهدی باشد گرامی / چو فرزند آیدت رندی تمامی

۶۲

در کدام گزینه به معنی درست واژه‌های «دستور - سودا - بطالت - نشئه» اشاره شده است؟

- ۱) اجازه - دیوانگی - بیکاری - آغاز شدن      ۲) وزیر - خیال - بیهودگی - ناتوانی  
 ۳) فرمان - اندیشه - کنار زدن - حالت سرخوشی      ۴) راهنما - اشتیاق - کاهلی - کیفوری

۶۳ کدام گزینه با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؟

- «یک دم غریق بحر خدا شو گمان مبر / کز آب هفت بحر به یک موی تر شوی»
- ۱) هرچه داری اگر به عشق دهی / کافر مگر جوی زیان بینی
  - ۲) به سوی بحر خدا بگذر ای نسیم صبا / زمین بیوس وز روی ادب سلامش کن
  - ۳) گفتا نه این خواهم نه آن دیدار حق خواهم عیان / گر هفت بحر آتش شود من در روم بهر لقا
  - ۴) بازگویم نه در این واقعه حافظ تنهاست / غرقه گشتند در این بادیه بسیار دگر

۶۴ بیت زیر، با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

- «بگفتا گر نیابی سوی او راه / بگفت از دور شاید دید در ماه»
- ۱) در آن چمن که گل وصل دسته بندد غیر / مرا بس این که نگه را به پشت پا بندم
  - ۲) ز دست عشق تو هر جا که می روم دستی / نهاده بر سر و خاری شکسته در پای است
  - ۳) کنون گر گلستان در دامنم باشد نمی بینم / گذشت آن کز پی یک گل به صد گلزار می رفتم
  - ۴) از غیرت روی هم چو خورشید تو، ماه / دیری است که ماهتاب می پیماید

۶۵ در متن «چه هر که خواهد که کشتی بر خشکی راند و بر روی آب دریا اسب تازی کند بر خویشتن خندیده باشد

- زیرا که از سیرت خردمندان دور است و گور کن در بهر و کشتی در بیابان داشتن»، چند واژه غلط املائی دارد؟
- ۱) صفر (۲) یک (۳) دو (۴) سه

۶۶ همه گزینه‌ها به استثنای گزینه ..... درباره «قطعه» درست است.

- ۱) مصراع‌های زوج آن هم قافیه‌اند.
- ۲) حداقل دو بیت، و مطلع آن مصرع است.
- ۳) ابن یمین از سراینندگان مشهور قطعه (قرن ۸) به شمار می‌آید.
- ۴) وحدت موضوع دارد و در تمام دوره‌ها در شعر فارسی رواج داشته است.

۶۷ شیوه بیان در همه بیت‌های زیر به جز بیت گزینه ..... همراه با طنز است.

- ۱) نیارد حد شرعی مست بی حد را به خود صائب / ز چوب دار کی اندیشه‌ای منصور می‌دارد؟
- ۲) گفت: نزدیک است والی را سرای آنجا شویم / گفت والی از کجا در خانه خمار نیست
- ۳) با محتسب عیب مگویند که او نیز / پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است
- ۴) ز کوی میکده دوشش به دوش می‌برند / امام شهر که سجاده می‌کشید به دوش

۶۸ کدام گزینه با بیت زیر تقابل مفهومی دارد؟

- بگفت او آن من شد، زو مکن یاد / بگفت این کی کند بیچاره فرهاد؟
- ۱) گوشه‌ای گیرم و من بعد نیایم سویت / نکنم بار دگر یادِ قدِ دل جویت
  - ۲) یاد او کردم ز جان صد آه دردآلود خاست / خوی گرمش در دلم بگذشت و از دل دود خاست
  - ۳) به طوف کعبه من خاکسار خواهم رفت / ولی به یاد سر کوی یار خواهم رفت
  - ۴) مجلس ما هر دم از یادش بهشتی دیگر است / گرچه هرگز یاد ما حوری نژاد ما نکرد

- ۶۹ کدام گزینه با مصراع دوم بیت زیر تناسب دارد؟
- دست از مس وجود چو مردان ره بشوی / تا کیمیایی عشق بیابی و زر شوی
- ۱) جز داغ نیست مانده‌ی دستگاه عشق / آتش خورد کسی که شود میهمان ما
  - ۲) گویند: روی سرخ تو سعدی که زرد کرد؟ / اکسیر عشق بر مسم افتاد، زر شدم
  - ۳) در محیط عشق تا سر در گریبان برده‌ایم / نیست چون گرداب، رزق ما به غیر از پیچ و تاب
  - ۴) نخواستم که بگویم حدیث عشق و چه حاجت؟ / که آب دیده‌ی سُرخم بگفت و چهره‌ی زردم

- ۷۰ بیت زیر با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟
- گفت: نزدیک است والی را سرای آنجا شویم / گفت: والی از کجا در خانه خمار نیست»
- ۱) محبت در قفای رندان است / غافل از صوفیان شاهد باز
  - ۲) با محتسبم عیب مگویند که او نیز / پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است
  - ۳) ورای طاعت دیوانگان زما مطلب / که شیخ مذهب ما عاقلی گنه دانست
  - ۴) می‌خور که شیخ و حافظ و مفتی و محتسب / چون نیک بنگری همه تزویر می‌کنند

- ۷۱ کدام گروه کلمه، فاقد «غلط‌املایی» است؟
- ۱) ستور و چارپا، ممات و مرگ، شرزه و غضبناک
  - ۲) باسق و بلند، وهم و پندار، اعزاز و انصراف
  - ۳) تضرع و زاری کردن، غرامت و تاوان، مسطور و پنهان
  - ۴) انابت و توبه، صور و عروسی، اجنبی و بیگانه

- ۷۲ مفهوم کدام بیت با سایر ابیات تفاوت دارد؟
- ۱) خواب و خورت ز مرتبه خویشت دور کرد / آن گه رسی به خویشت که بی‌خوابی و خور شوی
  - ۲) خور و پوش و بخشای و راحت رسان / نگه می‌چه داری ز بهر کسان
  - ۳) کسی که قصد ز عالم به خواب و خور دارد / اگر چه چهرش خوب است طبع خور دارد
  - ۴) خور و خواب تنها طریق دد است / بر این بودن آیین نابخورد است

- ۷۳ آرایه‌های بیت زیر، کدامند؟
- «در خواب و خیال عمر از تلخ و ترش چیزی / چون شور تو شیرین نی ای شاهد رؤیایی»
- ۱) تشبیه، تضاد، واج آرایی، تلمیح
  - ۲) استعاره، تشبیه، پارادوکس، ایهام
  - ۳) استعاره، تضاد، واج آرایی، ایهام تناسب
  - ۴) تشبیه، کنایه، حس آمیزی، تلمیح

- ۷۴ در کدام بیت «غلط‌املایی» وجود دارد؟
- ۱) نوآموز را ذکر و تحسین و زه / ز توییخ و تهدید استاد به
  - ۲) پیایی بیفشان از آینه گرد / که مصقل بگیرد چو زنگار خورد
  - ۳) کسی را به کردار بد کن عذاب / که چشم از تو دارد به نیکی صواب
  - ۴) ندیدم ز غماز سرگشته‌تر / نگون طالع و بخت برگشته‌تر

www.my-dars.ir

کدام بیت با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؟

- «گفت آگه نیستی کز سر در افتادت کلاه / گفت در سر عقل باید بی کلاهی عار نیست»
- ۱) برآورد از طاق دستار خویش / به اکرام و لطفش فرستاد پیش
  - ۲) خرد باید اندر سر مرد و مغز / نباید مرا چون تو دستار نغز
  - ۳) به آدمی نتوان گفت ماند این حیوان / به جز دراعه و دستار و نقش بیرونش
  - ۴) کله دلو کرد آن پسندیده کیش / چو جبل اندر آن بست دستار خویش

مفهوم همهی گزینه‌ها با مفهوم نهایی بیت زیر در تقابلی است به استثنای:

- ۱) چون دامن وصال به کوشش گرفته‌اند / چندان که ممکن است نکوشد کسی چرا؟
- ۲) از سعی، راه عشق به پایان نمی‌رسد / در ترک کوشش است طریق نجات ما
- ۳) ز آهستگی بریده شود راه دور عشق / زنجیر پای سعی تو «صائب» شتاب توست
- ۴) از عشق به کوشش نتوان کامروا شد / در آتش سوزنده چه از بال و پر آید؟
- ۵) نیست ممکن سربرآوردن به سعی از کار عشق / ساحل این بحر خونین، دست بر هم ماندن است

کدام گزینه مفهومی متفاوت با سایر گزینه‌ها دارد؟

- ۱) طریق عشق پرآشوب و فتنه است ای دل / بیفتد آن که در این راه با شتاب رود
- ۲) گر نور عشق حق به دل و جان او فتد / بالگه کز آفتاب فلک خوبتر شوی
- ۳) شکوه عشق نگه کن، که موی مجنون را / فلک به شعشعه‌ی آفتاب، شانه کند
- ۴) فرزانه درآید به پری‌خانه‌ی مقصود / هر کس که در این بادیه دیوانه‌ی عشق است

همه‌ی گزینه‌ها با بیت زیر تناسب مفهومی دارند، به‌جز:

- ۱) با محتسب عیب مگویند که او نیز / پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است
- ۲) ای دل طریق رندی از محتسب بیاموز / مست است و در حق او کس این گمان ندارد
- ۳) من که بر سنگ زدم شیشه‌ی تقوی و ورع / محتسب بهر چه بر شیشه زند سنگ مرا؟
- ۴) من مستم و فارغ ز غم محتسب امروز / کاو نیز چو من، بر سر بازار، خراب است
- ۵) نهفته نذر تو ای محتسب دو جامی هست / صراحی (= جام شراب) همه بشکن، سبوی ما بگذار

کدام گزینه با بیت زیر تناسب مفهومی دارد؟

- بگفتا: جان فروشی در ادب نیست / بگفت: از عشق‌بازان این عجب نیست
- ۱) هزار گونه ادب جان ز عشق آموزد / که آن ادب نتوان یافتن ز مکتب‌ها
  - ۲) دل و دانش همه در عشق بتان باید باخت / خویش را بیدل دیوانه لقب باید کرد
  - ۳) پشت پا بر جسم زد جان تا هوای عشق کرد / جامه را بنخشد به ساحل هر که بر دریا زند
  - ۴) شعله در جانی که خاک حسرت دیدار نیست / خاک در چشمی که نتوان بود حیران شما

کدام گزینه مفهومی متفاوت با سایر گزینه‌ها دارد؟

- www.mydars.com
- ۱) سر ز کمند خرد چگونه کشم؟ / فضل خرد داد بر حمار مرا
  - ۲) جان را به خرد نکو چو دیبا کن / تا مرد خرد نگویدت رعنا
  - ۳) هر خصلت و صفت که گزید از جهان خرد / در طینت تو تعبیه‌ای کرد کردگار
  - ۴) بر جان تو عقل راست سالاری / عقل است امیر و جان تو عامل

۸۱

همه‌ی گزینه‌ها با بیت زیر تناسب دارند، به‌جز:

- گفت: باید حد زند هشیار مردم مست را / گفت: هشیاری بیار، اینجا کسی هشیار نیست  
 (۱) محتسب بیهده گو منع مکن رندان را / کان که با شاهد و می نیست کدام است امروز؟  
 (۲) در همه شهر بیابی هشیار / گر کند گرگ شبانی گله را  
 (۳) گر عاشق و مست، دوزخی خواهد بود / فردا بینی بهشت را چون کف دست  
 (۴) کفّاره‌ی شراب‌خوری‌های بی‌حساب / هشیار در میانه‌ی مستان نشستن است

۸۲

چند واژه درست معنی شده است؟

- (خانه‌ی خمّار: میخانه) - (سلسله‌جنبان: محرک) - (وجه: وجود) - (استقرار: بازگشت‌دادن) - (منسوب: گماشتن) -  
 (داروغه: مأمور نظارت بر اجرای احکام دینی) - (اکراه: رغبت) - (ورق: برگ) - (مزید: زیادکننده) - (نبات: دختران)  
 (۱) پنج (۲) سه (۳) چهار (۴) شش

۸۳

کدام گزینه مفهوم متفاوتی دارد؟

- (۱) بس که کارم سخت شد از سخت‌گیری‌های عشق / مرگ را آسان گرفتم در کنار خویشتن  
 (۲) الا ای هم‌نشین دل که یارانت برفت از یاد / مرا روزی مباد آن دم که بی‌یاد تو بنشینم  
 (۳) روز نخست چون دم رندی زدیم و عشق / شرط آن بود که جز ره آن شیوه نسپریم  
 (۴) بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک؟ / بگفت آن‌گه که باشم خفته در خاک

۸۴

کدام گزینه با بیت «گر نور عشق حق به دل و جان او افتد / بالله کز آفتاب فلک خوب‌تر شوی» متناسب است؟

- (۱) از سپرداری است عاجز گرچه دست رعشه‌دار / شمع را درست حمایت شهپر پروانه است  
 (۲) می‌کند خورشید تابان ذره را اکسیر عشق / گریه‌ی شمع از فروغ منظر پروانه است  
 (۳) نیست از سوز محبت بلبلان را بهره‌ای / این شراب آتشین در ساغر پروانه است  
 (۴) پایه‌ی عشق گران‌قدر است بالاتر ز حسن / شمع با آن سرکشی زیر پر پروانه است

۸۵

معنی واژه‌ی «گفت» در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) گفت آدم؟ گفتم از اسرار اوست / گفت عالم؟ گفتم او خود روبه‌روست  
 (۲) گفت عالم به گوش جان بشنو / ور نماند به گفتنش کردار  
 (۳) ماجرای عقل پرسیدم ز عشق / گفت معزول است و فرمانیش نیست  
 (۴) چون ز خسرو درد دل بشنید، گفت / غم مخور روزیت بنوازم ما

۸۶

در معنی واژه‌های کدام گزینه اشتباه وجود ندارد؟

- (۱) آبنوس: صمغی زردرنگ / گبر: خفتان / برگداشتن: برگردانیدن / پدرام: آراسته  
 (۲) سَمَند: زرده / ابدال: مردان کامل / سفاقت: نادانی / اعراض: روی‌گردان از چیزی  
 (۳) بَنان: انگشت / صفوت: برگزیدن / قدوم: فرارسیدن / خمّار: می‌فروش  
 (۴) غرامت: تاوان / سلسله‌جنبان: محرک / سفله: فرومایه / گرزه: مارگزیده

www.my-dars.ir

کدام گزینه با بیت «گر نور عشق به حق به دل و جانت اوفتد / بالله کز آفتاب فلک خوب تر شوی» متناسب است؟

- (۱) نغمه‌ی عشق به گوش من دیوانه زدند / این چه اکسیر بهار است بر این دانه زدند
- (۲) دل سودازده از آب و گل عالم نیست / اشک شمع است به خاکستر پروانه زدند
- (۳) کعبه چون جامه‌ی غیرت نکند بر تن چاک؟ / رقم حسن خداداد به بت‌خانه زدند
- (۴) حلقه در گوش سخن باش که از سین سخن / به سر زلف گره‌گیر عدم شانه زدند

ابیات کدام گزینه با بیت «گفت: دیناری بده پنهان و خود را وارهان / گفت: کار شرع، کار درهم و دینار نیست» متناسب است؟

- (الف) جان خاقانی به رشوت می‌دهم ایام را / گر مرا زین روز غم روزی رهایی می‌دهد
  - (ب) قلم ماری است کز رشوت بود افسون گیرایش / به این افسون توان رست از گزند روح فرسایش
  - (ج) مرگ را نتوان به رشوت از سر خود دور کرد / این نهنگ جان‌ستان را چشم بر اسباب نیست
  - (د) نفس جو داد که گندم ز تو بستاند / به که هرگز ندهی رشوت و نستانی
  - (ه) این رشوت‌خواران فقهاوند شما را / ابلیس فقیه است گر این‌ها فقهاوند
- (۱) الف - ج      (۲) الف - ب      (۳) ج - ه      (۴) د - ه

در معنی واژه‌های کدام گزینه اشتباه وجود دارد؟

- (۱) فاحش: واضح / وسیم: دارای نشان پیامبری / ملال: پژمردگی / مشیت: اراده
- (۲) جسارت: گستاخی / وقاحت: بی‌حیایی / توش: توانایی تحمل سنگینی یا فشار / نسیان: فراموشی
- (۳) جُنود: سپاهیان / دهش: وحشت / غرامت: تاوان / فایق: برگزیده
- (۴) بنان: انگشت / تضرع: التماس کردن / انابت: پشیمانی / تحفه: ارمغان

مفهوم کدام گزینه با بیت زیر متناسب است؟

- «بنیاد هستی تو چو زیر و زبر شود / در دل مدار هیچ که زیر و زبر شوی»
- (۱) ای مه که چرخ زیر و زبر از برای توست / ما را خراب و زیر و زبر می‌کنی مکن
  - (۲) این قصرهای خرّم و گلزارهای خوش / در موج‌خیز حادثه زیر و زبر شود
  - (۳) خانه بر دوشان که دارند از توکل پشیمان / هر دو عالم گر شود زیر و زبر در مامن‌اند
  - (۴) اجزای حسن زیر و زبر می‌شود ز خط / جز پیشگاه جبهه و دولت‌سرای چشم

همه‌ی گزینه‌ها با بیت «زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست / در حق ما هر چه گوید جای هیچ اکراه نیست» تناسب

معنایی دارند، به جز .....

- (۱) ز آتش عشق تو آن سوز که در باطن ماست / ظاهر آن است که بر اهل خرد ظاهر نیست
- (۲) مرا از حال عشق و صبر پرسید / چه گویم این مقیم است آن سفر کرد
- (۳) صبر ایوبی نکرده درد را درمان چه خواهی / حزن یعقوبی ندیده بیت احزان را چه دانی
- (۴) ز آشفتگی حال من آگاه کی شود / آنرا که دل نگشت گرفتار این کمند



۹۲

ابیات کدام گزینه به مفهوم مشترکی اشاره دارند؟

- الف) ز اکسیر قناعت ذره‌ی من گنج‌ها دارد / کمم در چشم خلق افا برای خویش بسیارم  
 ب) از آن زمان که بر این آستان نهادم روی / فراز مسند خورشید تکیه‌گاه من است  
 ج) دامن افتادگی از کف مده کاین کیمیا / از برای سربلندان خاک را سجاده کرد  
 د) هر ذره‌ای که از پی خورشید روی او / یک شب به روز کرد مهی گشت اخترش  
 ه) کم‌تر از ذره‌نهای پست مشو مهر بورز / تا به خلوتگه خورشید رسی چرخ‌زنان

۱) الف - ب - د      ۲) ب - د - ه      ۳) ب - ج - د      ۴) الف - ج - ه

۹۳

معنی و کاربرد فعل «است» در کدام گزینه با بیت «هر تیر که در کیش است گر بر دل ریش آید / ما نیز یکی باشیم از جمله‌ی قربان‌ها» یکسان است؟

- ۱) نگویم قامتت زیباست یا چشم / همه لطفی و سرتاسر جمالی  
 ۲) سرگشتگی ذره ز خورشید عیان است / ای غافل حالم نظری کن به جمالش  
 ۳) کجاست آن‌که به انگشت می‌نمود هلال / کز ابروان تو انگشت بر دهان ماند  
 ۴) چند گویی که مست و بی‌خبری / هر که او مست نیست بی‌خبر است

۹۴

کدام گزینه با بیت «چو در وقت بهار آبی پدیدار / حقیقت پرده‌برداری ز رخسار» تناسب معنایی ندارد؟

- ۱) چندین هزار خانه و یک نور بیش نیست / لیک اختلاف از در و دیوار آمده  
 ۲) ذره صفت پیش تو ای آفتاب / باد دعای سحرم مستجاب  
 ۳) در آینه‌ی وجودم آدم / دیدیم جمال اسم اعظم  
 ۴) تجلی از دل هر ذره می‌جوشد نظر بنما / گره در کار بینایی می‌فکن دیده‌ای واکن

۹۵

مفهوم کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) گویند روی سرخ تو سعدی که زرد کرد / اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم  
 ۲) چون شب‌نم اوفتاده بدم پیش آفتاب / مهرم به جان رسید و به عیوق بر شدم  
 ۳) دست از مس وجود چو مردان ره بشوی / تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی  
 ۴) یک دم غریق بحر خدا شو گمان مبر / کز آب هفت بحر به یک موی تر شوی

۹۶

نقش ضمیر پیوسته‌ی دوم شخص مفرد در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) خواب و خورت ز مرتبه‌ی خویش دور کرد / آن‌که رسی به خویش که بی‌خواب و خور شوی  
 ۲) گر نور عشق حق به دل و جان او فتد / بالله کز آفتاب فلک خوب‌تر شوی  
 ۳) از پای تا سرت همه نور خدا شود / در راه ذوالجلال چو بی‌پا و سر شوی  
 ۴) وجه خدا اگر شودت منظر نظر / زین پس شکی نماند که صاحب‌نظر شوی

۹۷

در بیت زیر چند ترکیب اضافی به کار رفته است؟

«گر در سرت هوای وصال است حافظا / باید که خاک درگه اهل هنر شوی»

۱) سه      ۲) چهار      ۳) پنج      ۴) شش

- نقش دستوری ضمائر به کار رفته در بیت زیر در کدام گزینه به درستی نشان داده شده است؟
- «خواب و خورت ز مرتبه‌ی خویش دور کرد / آن‌گه رسی به خویش که بی‌خواب و خور شوی»
- (۱) مضاف‌الیه - مضاف‌الیه - متمم  
(۲) مفعول - مضاف‌الیه - متمم  
(۳) متمم - مسند - متمم  
(۴) مضاف‌الیه - متمم - مضاف‌الیه

- مفهوم همه‌ی گزینه‌ها، به جز گزینه‌ی ..... یکسان است.
- (۱) دست از مس وجود چو مردان ره بشوی / تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی  
(۲) گویند روی سرخ تو سعدی که زرد کرد / اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم  
(۳) عشقت رسد به فریاد گر خود به سان حافظ / قرآن ز بر بخوانی در چارده روایت  
(۴) چون که تو دست شفقت بر سر ما داشته‌ای / نیست عجب گر ز شرف بگذرد از چرخ سرم

- نقش دستوری ضمیر پیوسته‌ی دوم شخص مفرد در کدام دو بیت یکسان است؟
- (الف) وجه خدا اگر شودت منظر نظر / زین پس شکی نماند که صاحب نظر شوی  
(ب) خواب و خورت ز مرتبه‌ی خویش دور کرد / آن‌گه رسی به خویش که بی‌خواب و خور شوی  
(پ) گفت آگه نیستی کز سر در افتادت کلاه / گفت در سر عقل باید بی‌کلاهی عار نیست  
(ت) سرکش مشو که چون شمع از غیرت بسوزد / دلبر که در کف او موم است سنگ خارا  
(ث) از پای تا سرت همه نور خدا شود / در راه ذوالجلال چو بی‌پا و سر شوی
- (۱) الف - پ (۲) ب - ث (۳) الف - ت (۴) پ - ت

- کدام بیت با «جهان را سربه‌سر آینه می‌دان / به هریک ذره‌ای صد مهر تابان» تناسب مفهومی دارد؟
- (۱) چو ذره گرچه حقیرم ببین به دولت عشق  
(۲) ز آسمان بگذرم از بر منت افتد نظری  
(۳) هزار ذره اگر کم شود ز روی هوا  
(۴) دل هر ذره را که بشکافی
- که در هوای رُخت چون به مهر پیوستم  
ذره تا مهر نبیند به ثریا نرسد  
به ذره‌ای نرسد آفتاب را نقصان  
آفتابیش در میان بیینی

- مفهوم کلی عبارت زیر در کدام بیت یافت می‌شود؟
- «گفت: اندر آن ساعت که من به مناجات الله باشم اگر جهان زیر و زبر شود یا تیغ و سنان در من می‌زنند، مرا از لذت مناجات الله از درد تن خبر نبود.»
- (۱) بنیاد هستی تو چو زیر و زبر شود  
(۲) از در درآمدی و من از خود به در شدم  
(۳) در نمازم خم ابروی تو با یاد آمد  
(۴) زیر شمشیر غمش رقص کنان باید رفت
- در دل مدار هیچ که زیر و زبر شوی  
گویی از این جهان به جهان دگر شدم  
حالتی رفت که محراب به فریاد آمد  
کان‌که شد کشته او نیک سرانجام افتاد

۱۰۳ بیت زیر با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

- «تا نگردي آشنا زين پرده رمزي نشنوي گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش»
- ۱) ز حرف مردم بیگانه گوش می‌گیریم
  - ۲) عشق‌بازان همه جا گوش به زنگند ولی
  - ۳) از هر چه می‌رود سخن دوست خوش‌تر است
  - ۴) ماجرای دل خون‌گشته نگویم با کس
- به آشنا ز سخن‌های آشنا چه رسد  
اونه هر گوش دلی محرم پیغام کند  
پیغام آشنا نفس روح‌پرور است  
زان که جز تیغ غمت نیست کسی دمسازم

۱۰۴ کدام گزینه با بیت زیر قرابت معنایی بیش‌تری دارد؟

- «جان‌گدازی اگر به آتش عشق / عشق را کیمیای جان بینی»
- ۱) ز کثرت جان خرم را غم و اندوه می‌زاید
  - ۲) از آن زمان که بر این آستان نهادم رو
  - ۳) جمالت در همه اشیا تجلی کرده است اما
  - ۴) اگر سلطنت فقر ببخشند ای دل
- به وحدت آی تا خود را همیشه شادمان بینی  
فراز مسند خورشید تکیه‌گاه من است  
چو مجنون عاشقی بیند خدا را در رخ لیلی  
کم‌ترین ملک تو از ماه بود تا ماهی

۱۰۵ کدام گزینه درست است؟

- ۱) در دیوان پروین اعتصامی از ۲۴۸ شعر، ۶۵ شعرش حالت مناظره داشته که مناظره‌ی «مست و هشیار» در قالب «مثنوی» سروده شده است.
- ۲) تذکرة‌الاولیا یکی از آثار منظوم عطار در شرح حال ۷۲ تن از عارفان و داستان‌ها و گفته‌های آنان است.
- ۳) سعدی کتاب بوستان خود را بر وزن شاهنامه در ده باب سروده و مدینه‌ی فاضله‌اش را در آن ترسیم کرده است.
- ۴) از انقلاب مشروطیت به بعد، اشعار ادب‌تعلیمی، درون‌مایه‌های سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و عرفانی داشتند.

۱۰۶ در کدام گزینه واژه‌ای غلط معنی شده است؟

- ۱) غرقه: غرق شده / پاک‌باز: خالص / محتسب: مأمور نظارت بر اجرای احکام دینی / متغیر: دگرگون
- ۲) صلابت: استواری / افتاد: ملاقات کرد / ژاژ: گیاهی بی‌مزه / قتیل: مقتول
- ۳) اهل صلاح: صالحان / گلگونه: سرخاب / غرایب: نوادر / خمّار: میکده
- ۴) موافقت: همراهی / وزن نهادی: ارزش نمی‌داد / تارک: فرق سر / آگنده: لبریز

۱۰۷ همه موارد به جز ..... کاملاً درست است.

- ۱) نصاب الصبیان، ابونصر فراهی در تعلیم لغت سروده شده، این منظومه از لحاظ خیال‌انگیزی و زیبایی هنری پرمایه و قوی نیست.
- ۲) شعرهای تعلیمی در قدیم بیش‌تر شامل سروده‌های اخلاقی و مذهبی و عرفانی بوده است ولی از عصر مشروطه به بعد، درون‌مایه‌های سیاسی و اجتماعی و ... پیدا کرده است.
- ۳) تذکرة‌الاولیا تنها اثر مشهور باقی مانده از عطار است که در آن شرح حال هفتاد و دو تن از عارفان بزرگ آمده است.
- ۴) سعدی‌نامه اثر ارجمند شاعر و نویسنده ایرانی، سعدی شیرازی است که در سال ۶۵۶ ه.ق آن را سروده و در ده باب تنظیم شده است.

۱۰۸ مفهوم کلی بیت زیر از کدام بیت نیز استنباط می‌شود؟

- چون شبنم اوفتاده بدم پیش آفتاب / مهرم به جان رسید و به عیوق بر شدم
- گر چو مجنون به جنون شهره شهرم چه عجب / زآنکه سودای تو ای لیلی مهوش دارم
- پای بر فرق فلک می‌نهم از روی شرف / تا که از خاک سر کوی تو مفرش دارم
- روز و شب در هوس نقش گل رخسارت / خانه دیده به گلگونه منقش دارم
- شدهام همدم جمعی که پریشان حال اند / همچو زلف تو از آن حال مشوش دارم

۱۰۹ کدام گزینه با سایر گزینه‌ها متفاوت است؟

- ما عاشق و رند و مست و عالم سوزیم / با ما منشین و گرنه بدنام شوی
- می‌خواره و سرگشته و رندیم و نظر باز / وان کس که چو ما نیست در این شهر کدام است؟
- می‌خور که شیخ و حافظ و مفتی و محتسب / چون نیک بنگری همه تزویر می‌کنند
- گفت: باید حد زند هشیار مردم، مست را / گفت: هشیاری بیار، اینجا کسی هشیار نیست

۱۱۰ کدام گزینه با سایر گزینه‌ها متفاوت است؟

- اگرچه باده فرح‌بخش و باد گل‌بیز (= معطر) است / به بانگ چنگ مخور می که محتسب تیز است
- با محتسب عیب مگوید که او نیز / پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است
- ای دل طریق رندی از محتسب بیاموز / مست است و در حق او کس این گمان ندارد
- باده با محتسب شهر نوشی زنهار / بخورد باده‌ات و سنگ به جام اندازد

۱۱۱ مفهوم کلی بیت زیر از کدام بیت نیز دریافت می‌شود؟

- گفت: آگه نیستی کز سر در افتادت کلاه / گفت: در سر عقل باید، بی‌کلاهی عار نیست
- در کلاه او اگر پشیمی است آتش در زнім / عقل و هوش خویشتن یک دم به مستی درکشیم
- شرم دارند از نهند از تابش زهره کلاه / ننگ دارند از عکس پروین پیرهن
- آدمی را معرفت باید نه جامه از حریر / در صدف بنگر که او را سینه پرگوهر است
- صد ننگ و نام هشته با عقل خصم گشته / بر مغزها دویده صهبا که همچنین کن

۱۱۲ در کدام گزینه معنی فعل «می‌گشت» با سایر گزینه‌ها متفاوت است؟

- ز شور عشق تو در کام جان خسته من / جواب تلخ تو شیرین‌تر از شکر می‌گشت
- هزارگونه غم از چپ و راست دامن‌گیر / هنوز در تک‌وپوی غمی دگر می‌گشت
- به هر طریق که باشد نصیحتش مکنید / که او به قول نصیحت‌کنان بتر می‌گشت
- خوی عذار تو بر خاک تیره می‌افتاد / وجود مرده از آن آب جانور می‌گشت

۱۱۳ کدام گزینه با بیت «گویند روی سرخ تو، سعدی، که زرد کرد؟ / اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم» ارتباط مفهومی

ندارد؟

- به دوستی که چو دل قلب و نادرست نیام / گرم در آتش سوزنده هم‌چو زر بگدازی
- چو دژه گرچه حقیرم ببین به دولت عشق / که در هوای رخت چون به مهر پیوستم
- دست از مس وجود، چو مردان ره بشوی / تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی
- کم‌ترین از دژه نه‌ای، پست مشو، مهر بوزر / تا به سرچشمه‌ی خورشید رسی چرخ‌زنان

۱۱۴ معنی «شد» در کدام سروده متفاوت است؟

- ۱) جهد به آخر آمد و دفتر تمام شد
- ۲) این دانه هر که دید گرفتار دام شد
- ۳) امروز در فراق تو دیگر به شام شد
- ۴) طوطی شکر شکست که شیرین کلام شد

۱۱۵ کدام بیت با بیت «گویند روی سرخ تو سعدی که زرد کرد / اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم» ارتباط معنایی ندارد؟

- ۱) از کیمیای مهر تو زر گشت روی من
- ۲) چون که فتادم ز فلک ذره صفت لرزانم
- ۳) چو ذره گرچه حقیرم ببین به دولت عشق
- ۴) کم‌تر از ذره نه‌ای، پست مشو مهر بورز
- آری به یمن لطف شما خاک، زر شود
- ایمن و بی‌لرز شوم چون که به پایان برسم
- که در هوای رخت چون به مهر پیوستم
- تا به خلوت‌گه خورشید رسی چرخ‌زنان

۱۱۶ مفهوم کدام گزینه با دیگر ابیات متفاوت است؟

- ۱) بگفتا جان فروشی در ادب نیست / بگفت از عشق‌بازان این عجب نیست
- ۲) بگفت آن‌جا به صنعت در چه کوشند / بگفت آنده خرنده و جان فروشند
- ۳) بگفتا گر خرامی در سرایش / بگفت اندازم این سر زیر پایش
- ۴) بگفتا رو صبوری کن در این درد / بگفت از جان صبوری چون توان کرد

۱۱۷ کدام گزینه با بیت زیر تناسب مفهومی بیش‌تری دارد؟

- ۱) طبع ناقص را مبر در امتحان گاه کمال / کم عیاری چون محک خواهد، طلا مس می‌شود
- ۲) هواخواه تو اکسیر سعادت در بغل دارد / نفس بودم سحر گل کردم از فیض دعاها
- ۳) عیار زر اگر می‌گردد از روی محک ظاهر / سواد فقر روشن می‌کند رنگ خزانی را
- ۴) رنگ زرد ما عیار قدرت عشق است و بس / این طلا بی‌پرده دارد جوهر اکسیر را

۱۱۸ کدام گزینه بیت زیر را نقص می‌کند؟

- ۱) بگفت او آن من شد زو مکن یاد / بگفت این، کی کند بیچاره فرهاد
- ۲) از سر کوی تو با دیده‌ی تر خواهم رفت / چهره آلود به خوناب جگر خواهم رفت
- ۳) چند پیش تو به قدر از همه کم‌تر باشم / از تو چند ای بت بدکیش مکدر باشم
- ۴) گوشه‌ای گیرم و من بعد نیایم سویت / نکنم بار دگر یاد قد دلجویت

۱۱۹ کدام بیت با بیت زیر قرابت مفهومی کم‌تری دارد؟

- ۱) گویند روی سرخ تو، سعدی که زرد کرد؟ / اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم
- ۲) تا عشق داشت گوشه‌ی چشمی به من، جهان / گرد مرا به قیمت اکسیر می‌گرفت
- ۳) عقل مسکین زبردست عشق شد / عشق مستولی است بر بالا نشست
- ۴) از عشق تو گردید تن خاکیم اکسیر / از پرتو می‌جام من این رنگ برآورد
- ۵) دل ز عشق او توانا می‌شود / خاک همدوش ثریا می‌شود

۱۲۰

در کدام بیت نیش و کنایه و طنز مشهود نیست؟

- ۱) کشانی بخندید و خیره بماند / عنان را گران کرد و او را بخواند
- ۲) بدو گفت خندان که نام تو چیست / تن بی سرت را که خواهد گریست
- ۳) مرا مادرم نام مرگ تو کرد / زمانه مرا پتک ترگ تو کرد
- ۴) بخندید رستم به آواز گفت / که بنشین به پیش گرانمایه جفت

۱۲۱

در کدام بیت «گرفتن» معنای متفاوت دارد؟

- ۱) سخن در احتیاج ما و استغناى معشوق است / چه سود افسونگری ای دل که در دلبر نمی گیرد
- ۲) نگرفت در تو گریه حافظ به هیچ روی / حیران آن دلم که کم از سنگ خاره نیست
- ۳) هر کس که بدید چشم او گفت / کو محتسبی که مست گیرد
- ۴) خدا را ای نصیحت گو حدیث ساغر و می گو / که نقشی در خیال ما از این خوشتر نمی گیرد

۱۲۲

گزینه ی ..... هم مفهوم با بیت زیر است.

- گفت: آگه نیستی کز سر در افتادت کلاه / گفت: در سر عقل باید، بی کلاهی عار نیست
- ۱) هر مقصودی که عقل را بود / در شعله ی روی تو عیان یافت
  - ۲) عقل با تدبیر آمد در میان جوش ما / در چنان آتش چه جای عقل یا تدبیر بود؟
  - ۳) گر بر دل تو عقل، پادشاه است / مهتر ز تو در خلق، پادشا نیست
  - ۴) آزمودم عقل دوراندیش را / بعد از این دیوانه سازم خویش را

۱۲۳

کدام گزینه با بیت زیر تناسب مفهومی دارد؟

- گفت: دیناری بده پنهان و خود را وارهان / گفت: کار شرع، کار درهم و دینار نیست
- ۱) گوشوار خود به رشوت می دهد عرش برین / تا مگر یابد در او یک لحظه چون قندیل، بار
  - ۲) مرگ را نتوان به رشوت از سر خود دور کرد / این نهنگ جانستان را چشم بر اسباب نیست
  - ۳) به جان دادن چو مزد از کس نگیرد / در آمرزش کجا رشوت پذیرد؟
  - ۴) ناخن و منقار شاهین از کجی گیرا بود / رشوت از مردم گرفتن بر کجی ها حجت است

۱۲۴

معادل معنایی واژگان «زندانی - شیوایی - عارفان - نگهبان - جبران خسارت» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- ۱) محبوس - بلاغت - صوفی - داروغه - تاوان
- ۲) شهروند - زبان آوری - متصوفه - محتسب - غرامت
- ۳) شهربند - فصاحت - متصوفه - داروغه - غرامت
- ۴) محبوس - چیره زبانی - صوفیان - محتسب - ديه

۱۲۵

بیت زیر با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

- گفت: نزدیک است والی را سرای، آن جا شویم / گفت: والی از کجا در خانه ی خمّار نیست؟
- ۱) شب همی گشتم، عسس (پاسبان) بگرفت در کویت مرا / درد کردش دل، ز بس نالیدن من زار بود
  - ۲) با محتسب شهر بگوئید که: امشب / دستار نکه دار، که بیرون عسساناند
  - ۳) گران چو ابر شب جمعه است بر خاطر / وجود محتسب شهر، میگساران را
  - ۴) گفتمش می نه به میخانه توان خورد کنون / زان که ما را بود از محتسب شهر حذر

۱۲۶

- معنی فعل مشخص شده در کدام گزینه با سایر گزینه‌ها متفاوت است؟
- ۱) شنیدم که شب‌ها ز خدمت نخفت / چو مردان کمر بست و کرد آنچه گفت
  - ۲) چو دست من بریده شد به خنجر / چه سود از من کنم دستی ز گوهر
  - ۳) گفتم این جام جهان‌بین به تو کی داد حکیم / گفت آن روز که این گنبد مینا می‌کرد
  - ۴) لب او بر لب من، این چه خیال است و تمنا / مگر آن‌گه که کند کوزه‌گر از خاک سبویم

۱۲۷

- کدام سه گزینه با یکدیگر تناسب مفهومی دارند؟
- الف) گر کیمیای دولت جاویدت آرزوست / بشناس قدر خویش که گوگرد احمری
  - ب) دست از مس وجود چو مردان ره بشوی / تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی
  - ج) چون شب‌نم اوفتاده بدم پیش آفتاب / مهرم به جان رسید و به عیوق بر شدم
  - د) از کیمیای مهر تو زر گشت روی من / آری به یمن لطف شما خاک زر شود
  - ه) چو زر عزیز وجود است نظم من آری / قبول دولتیان کیمیای این مس شد
  - و) گویند روی سرخ تو سعدی که زرد کرد؟ / اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم
- ۱) الف - ج - و      ۲) ب - د - ه      ۳) د - ه - و      ۴) ب - ج - د

۱۲۸

- در کدام ابیات، فعل از مصدر «گرفتن» در معنای یکسان، به کار رفته است؟
- الف) حافظ ار خصم خطا گفت نگیریم بر او / و بر به حق گفت جدل با سخن حق نکنیم
  - ب) شنیدمت که نظر می‌کنی به حال ضعیفان / لبم گرفت و دلم خوش به انتظار عبادت
  - ج) گیرند مردم دوستان نامهربان و مهربان / هر روز خاطر با یکی ما خود یکی داریم و بس
  - د) صوفی چو تو رسم رهروان می‌دانی / بر مردم رند نکته بسیار مگیر
- ۱) الف - ب      ۲) الف - د      ۳) ب - ج      ۴) ج - د

۱۲۹

- بیت زیر، با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟
- «گویند روی سرخ تو، سعدی! که زرد کرد؟ / اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم»
- ۱) کیمیاگر که مس، جمله از او زر گردد / قلب ما را نزد اکسیر چو بگداخت دریغ
  - ۲) قلندری که طلا هم به چشم او خاک است / چه چشم دارد اگر خاک را طلا بکند
  - ۳) ما به اکسیر قناعت خاک را زر کرده‌ایم / زهر را بسیار از یک خنده شکر کرده‌ایم
  - ۴) مسی گداخته دارم به جای دل در بر / بود که عشق تو اش کار کیمیا بکند

۱۳۰

- «ردیف» در کدام بیت، گذراست؟
- ۱) تو که احوال دل سوختگان می‌دانی / مکن انکار کسی کز غم این کار بسوخت
  - ۲) ای که از تیر اناالحق خبری یافته‌ای / چه شوی منکر منصور که بردار بسوخت
  - ۳) صبر بسیار مفرمای من سوخته را / که دل ریشم از این صبر جگرخوار بسوخت
  - ۴) داروی درد دل اکنون ز که جویم که طیب / دل بیمار مرا در غم تیمار بسوخت

۱۳۱ «ردیف» در کدام بیت تفاوت معنایی دارد؟

- ۱) کسی کو بر وجود خود بلرزد / همان بهتر که در ویرانه گردد
- ۲) دلی کز عشق او دیوانه گردد / وجودش با عدم هم‌خانه گردد
- ۳) زُخش شمع است عقل ار عقل دارد / ز نور شمع او دیوانه گردد
- ۴) چو ماهی آشنا جوید در این بحر / به کل ماهیان بیگانه گردد

۱۳۲ کاربرد معنایی «ردیف» در کدام بیت متفاوت است؟

- ۱) عشق از خاکستر ما ریخت رنگ آسمان / این شرار شوخ، اول در دل آدم گرفت
- ۲) خط کافر لعل سیراب تو را کم کم گرفت / دیو از دست سلیمان عاقبت خاتم گرفت
- ۳) شوخ چشمی می‌برد از پیش کار خویش را / دامن گل را ز دست بلبلان شبنم گرفت
- ۴) از وصال ماه مصر آخر زلیخا جان گرفت / دست خود بوسید هرکس دامن پاکان گرفت

۱۳۳ معنای «ردیف» در کدام بیت با سایر ابیات تفاوت دارد؟

- ۱) تنها نه من به دانه‌ی خالت مقیدم / این دانه هر که دید گرفتار دام شد
- ۲) نامم به عاشقی شد و گویند توبه کن / توبه کنون چه فایده دارد که نام شد
- ۳) آن مدعی که دست ندادی به بند کس / این بار در کمند تو افتاد و رام شد
- ۴) شرح غمت به وصف نخواهد شدن تمام / جهدم به آخر آمد و دفتر تمام شد

۱۳۴ بیت زیر با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

- ۱) گرچه سیم و زر ز سنگ آید برون
  - ۲) گر به آتش بریم صد ره و بیرون آری
  - ۳) زر ز معدن سرخ‌روی آمد برون
  - ۴) چه آتش پاره‌ای بودی الا ای کیمیای دل
- اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم  
در همه سنگی نباشد زر و سیم  
زر نابم که همان باشم اگر بگدازم  
صحبت ناجنس کردش روی زرد  
که از برقی مس‌آلوده با زنگار، زر کردی

۱۳۵ مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

- ۱) چو ذره گر چه حقیرم بین به دولت عشق
  - ۲) کم‌تر از ذره نه‌ای پست مشو مهر بورز
  - ۳) دلم ز عشق تو شد ذره‌ای و آن هم خون
  - ۴) از مرثیه‌ی خاک به افلاک رسیدن
- که در هوای رخت چون به مهر پیوستم  
تا به خلوت‌گه خورشید رسی چرخ‌زنان  
تنم ز مهر تو شد سایه‌ای و آن هم هیچ  
موقوف به یک نعره‌ی مسئله‌ی عشق است

www.my-dars.ir



بیت‌های کدام گزینه تناسب معنایی بیش‌تری با یک‌دیگر دارند؟

- ۱) هرکس که نیست کشته‌ی عشقت هلاک به / هرکس که نیست خاک رخت زیر خاک به  
بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک؟ / بگفت آن‌گه که باشم خفته در خاک
- ۲) من سر زخم به سنگ و تو ساغر زنی به غیر / این سرزنش میانه‌ی عشاق بس مرا  
سعدي از سرزنش غیر نترسد هیهات / غرقه در نیل چه اندیشه کند باران را؟
- ۳) سرکش مشو که چون شمع از غیرت بسوزد / دلبر که در کف او موم است سنگ خارا  
نیست جز تسلیم درمان درد و داغ عشق را / نور ماه و آفتاب از منع دربان فارغ است
- ۴) هر کاو شراب فرقت روزی چشیده باشد / داند که سخت باشد قطع امیدواران  
شراب عشق تو مدهوش کرده است مرا / چه آگه‌م که فراق تو یا وصال تو چیست؟

مفهوم همه‌ی بیت‌ها به جز ..... با بیت زیر قرابت معنایی دارد.

- گفت: باید حد زند، هشیار مردم، مست را  
گفت: هشیاری بیار، این‌جا کسی هشیار نیست
- ۱) گر حکم شود که مست گیرند
  - ۲) شه اگر باده‌کشان را همه بر دار زند
  - ۳) گر پرده ز روی کارها بردارند
  - ۴) تا سبو بر دوش دارم از خمار آسوده‌ام
- گفت: هشیار بیار، این‌جا کسی هشیار نیست  
در شهر هر آن که هست گیرند
- گذر عارف و عامی همه بر دار افتد  
معلوم شود که در چه کاریم همه
- بی‌کشی در زیر بار عافیت دارد مرا

پیام نهفته‌ی بیت زیر، از کدام گزینه دریافت می‌شود؟

- گفت: نزدیک است والی را سرای، آن‌جا شویم  
گفت: والی از کجا در خانه‌ی خمار نیست؟
- ۱) ناموس عشق و رونق عشاق می‌برند
  - ۲) یا رب این نودولتان را با خر خودشان نشان
  - ۳) مشکلی دارم ز دانشمند مجلس بازپرس
  - ۴) تشویش وقت پیر مغان می‌دهند باز
- عیب جوان و سرزنش پیر می‌کنند  
کاین همه ناز از غلام تُرک و استر می‌کنند
- توبه‌فرمایان چرا خود توبه کم‌تر می‌کنند؟  
این سالکان نگر که چه با پیر می‌کنند؟

چکیده‌ی مفهوم «مناظره‌ی مست و هشیار»، سروده‌ی پروین اعتصامی، در کدام بیت آمده است؟

- ۱) ناموس عشق و رونق عشاق می‌برند
  - ۲) گویند رمز عشق مگویند و مشنوبید
  - ۳) قومی به جدّ و جهد نهادند وصل دوست
  - ۴) می‌خور که شیخ و حافظ و مفتی و محتسب
- منع جوان و سرزنش پیر می‌کنند  
مشکل حکایتی است که تقریر می‌کنند
- قومی دگر حواله به تقدیر می‌کنند  
چون نیک بنگری همه تزویر می‌کنند

معنی «مگر» در همه‌ی گزینه‌ها به جز گزینه‌ی ..... یکسان است.

- ۱) بخت خواب‌آلود ما بیدار خواهد شد مگر
  - ۲) آدمی نیست، مگر کالبدی بی‌جان است
  - ۳) خلاص بخش خدایا همه اسیران را
  - ۴) دلی که عاشق و صابر بود مگر سنگ است
- زان‌که زد بر دیده آبی روی رخشان شما  
آن‌که گوید که مرا میل به دیدار تو نیست
- مگر کسی که اسیر کمند زیبایی است  
ز عشق تا به صبوری هزار فرسنگ است

۱۴۱ معنای واژه‌ی «پریدن» در کدام گزینه با سایر گزینه‌ها متفاوت است؟

- ۱) به جایی کز او دور باشد گذر
  - ۲) بدو گفت از ایدر برو تا به مرو
  - ۳) جوانی که جاننش بخواهد پرید
  - ۴) عقاب دلاور بر آن راه شیر
- نپرد بر او کرکس تیزپر  
بدان سان که در باغ پرد تذرو  
کجا می‌تواند به پیری رسید  
بپرد اگر چند باشد دلیر

۱۴۲ بیت: «چون شب‌نم اوفتاده بدم پیش آفتاب مه‌رم به جان رسید و به عیوق بر شدم» با کدام بیت ارتباط مفهومی دارد؟

- ۱) خورشید بلندی تو و من سایه‌ی خاکی
  - ۲) من خاکی نه آن گردم که از راه تو برخیزم
  - ۳) خاکم به باد دادی از دل مشو غبارم
  - ۴) خاشاک راه بودم در کوی دوست عمری
- آن جا که تو باشی نتوان گفت که هستم  
من گریان نه آن شمعم که بی‌سوز تو بنشینم  
در آتشم فکنندی غافل مشو ز دودم  
سیل محبت آمد ناگاه در ربودم

۱۴۳ کدام گزینه با بیت زیر تناسب معنایی کم‌تری دارد؟

- «گفت باید حد زند هشیارمردم مست را / گفت هشیاری بیار این‌جا کسی هشیار نیست»
- ۱) رندان همه ترک می‌پرستی کردند / جز محتسب شهر که بی می مست است!
  - ۲) ای دل طریق رندی از محتسب بیاموز / مست است و در حق او کس این گمان ندارد
  - ۳) هرکس که بدید چشم او گفت / کو محتسبی که مست گیرد؟
  - ۴) محتسب بیهده گو منع مکن زندان را / کان که با شاهد و می نیست کدام است امروز؟

۱۴۴ کدام گزینه با بیت «گفت تا داروغه را گویم، در مسجد بخواب / گفت مسجد خوابگاه مردم بدکار نیست» تناسب

- معنایی بیش‌تری دارد؟
- ۱) نخواست هیچ خردمند وام از ایام
  - ۲) به چشم عقل در این رهگذر تیره ببین
  - ۳) به شوق گنج یکی تیشه بر زمین نزدیم
  - ۴) چگونه راه نمایی؟ که خود گمی از راه
- که با دسیسه و آشوب بازخواهد وام  
که گستراند قضا و قدر به راه تو دام  
همی به خیره به ویرانه ساختیم فقام  
چگونه حاکم شرعی؟ که فارغی ز احکام

۱۴۵ مقصود از «ره هموار نیست» با توجه به بیت زیر، در کدام گزینه مناسب‌تر بیان شده است؟

- «گفت مستی زان سبب افتان و خیزان می‌روی»
- ۱) ستمگران بدانندیش راه را بر همه‌ی ما بسته‌اند.
  - ۲) نابسامانی، فساد و پلیدی در جامعه گسترده است.
  - ۳) خردمندان هدایتگر نیز گرفتار نابسامانی هستند.
  - ۴) کم‌خردی و نابرابری راه حرکت اجتماعی را بسته است.
- گفت جرم راه رفتن نیست ره هموار نیست»

www.my-dars.ir

۱۴۶

بیت زیر با همه‌ی ابیات، به جز بیت ..... ارتباط معنایی دارد.

«چون شبم اوفتاده بدم پیش آفتاب / مهرم به جان رسید و به عیوق برشدم»

- (۱) من به سرچشمه‌ی خورشید نه خود بردم راه  
 (۲) آفتابی تو و من ذره‌ی مسکین ضعیف  
 (۳) ذره را پرتو مهر تو کند خورشیدی  
 (۴) چو ذره گرچه حقیرم بین به دولت عشق
- ذره‌ای بودم و مهر تو مرا بالا برد  
 تو کجا و من سرگشته کجا می‌نگرم  
 قطره را گردش جام تو کند دریایی  
 که در هوای رخت چون به مهر پیوستم

۱۴۷

در کدام گزینه جابه‌جایی ضمیر دیده می‌شود؟

- (۱) بگفتا گر کند چشم تو را ریش؟  
 (۲) بگفتا هر شبش بینی چو مهتاب؟  
 (۳) بگفتا دوستیش از طبع بگذار  
 (۴) بگفتا گر کسیش آرد فرا چنگ؟
- بگفت این چشم دیگر دارمش پیش  
 بگفت آری، چو خواب آید، کجا خواب؟  
 بگفت از دوستان نباید چنین کار  
 بگفت آهن خورد و خود بود سنگ

۱۴۸

کدام گزینه تداعی‌کننده‌ی بیتی از مناظره‌ی خسرو و فرهاد است؟

- (۱) تا دامن کفن نکشم زیر پای خاک / باور مکن که دست ز دامن بدارمت  
 (۲) صد جوی آب بسته‌ام از دیده بر کنار / بر بوی تخم مهر که در دل بکارمت  
 (۳) محراب ابرویت بنما تا سحرگهی / دست دعا بر آرم و در گردن آرمت  
 (۴) ای غایب از نظر به خدا می‌سپارمت / جانم بسوختی و به جان دوست دارمت

۱۴۹

بیت: «گفت: باید حد زند هشیار مردم، مست را / گفت: هشیاری بیار، این‌جا کسی هشیار نیست». با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

- (۱) مست گوید همه بیهوده سخن  
 (۲) باده با محتسب شهر نوشی حافظ  
 (۳) شه اگر باده‌کشان را همه بر دار زند  
 (۴) مست ار ادبی نمود هشیارش دان
- سخن مست تو بر مست مگیر  
 که خورد باده‌ات و سنگ به جام اندازد  
 گذر عارف و عامی همه بر دار بود  
 هشیار که بی‌ادب بود مستش گیر

۱۵۰

بیت: «گویند روی سرخ تو، سعدی که زرد کرد؟ / اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم» با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

- (۱) گرچه سیم و زر ز سنگ آید برون  
 (۲) گر به آتش بریم صد ره و بیرون آری  
 (۳) زر ز معدن سرخ روی آمد برون  
 (۴) چه آتش پاره‌ای بودی الا ای کیمیای دل
- در همه سنگی نباشد زر و سیم  
 زر نابم که همان باشم اگر بگدازم  
 صحبت ناجنس کردش روی زرد  
 که از برقی مس آلوده با زنگار زر کردی

www.my-dars.ir

۱۵۱

در همه‌ی ابیات به جز بیت ..... مفهوم «این جا کسی هشیار نیست» دیده می‌شود.

- ۱) فرو گویم به چشمت قصه‌ی خویش
  - ۲) گر حکم شود که مست گیرند
  - ۳) چشم مخمور تو گر زان که بیند در خواب
  - ۴) عارفان مست می دیدار و ما مست وصال
- اگر آن مست را هشیار بینم  
در شهر هر آنچه هست گیرند  
هیچ هشیار دگر عیب نگیرد بر مست  
در میان جمع امشب شمع هشیار است و بس

۱۵۲

کدام بیت «طنز» ندارد؟

- ۱) ترسم که صرفه‌ای نبرد روز بازخواست
  - ۲) ساقی بیار جامی کز زهد توبه کردم
  - ۳) بر در شاهم گدایی نکته‌ای در کار کرد
  - ۴) من آن نیم که حلال از حرام نشناسم
- نسان حلال شیخ ز آب حرام ما  
مطرب بزن نوایی کز توبه عار دارم  
گفت بر هر خوان که بنشستم خدا رزاق بود  
شراب با تو حلال است و آب بی تو حرام

۱۵۳

مفهوم بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

- گفت: «از بهر غرامت، جامه‌ات بیرون کنم»
  - ۱) گویا خواهد گشود از دولت‌م کاری که دوش
  - ۲) با لبی و صد هزاران خنده گل آمد به باغ
  - ۳) دامنی گر چاک شد در عالم رندی چه باک
  - ۴) شاهدان در جلوه و من شرمسار کیسه‌ام
- گفت: «پوسیده است، جز نقشی ز پود و تار نیست»  
من همی کردم دعا و صبح صادق می‌دمید  
از کریمی گویا در گوشه‌ای بویی شنید  
جامه‌ای در نیک‌نامی نیز می‌باید درید  
بار عشق و مفلسی صعب است می‌باید کشید

۱۵۴

در کدام گزینه شاعر به این موضوع اشاره دارد که «نابسامانی‌های اجتماعی، زمینه‌ساز بروز خطا و انحراف در افراد جامعه است.»

- ۱) گفت: «می بسیار خوردی، زان چنین بی خود شدی»
  - ۲) گفت: «باید حد زند هشیار مردم، مست را»
  - ۳) گفت: «دیناری بده پنهان و خود را وارهان»
  - ۴) گفت: «مستی، زان سبب افتان و خیزان می‌روی»
- گفت: «ای بیهوده‌گو! حرف کم و بسیار نیست»  
گفت: «هشیاری بیار، این جا کسی هشیار نیست»  
گفت: «کار شرع، کار درهم و دینار نیست»  
گفت: «جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست»

۱۵۵

بیت زیر با کدام بیت ارتباط مفهومی نزدیکی دارد؟

- گفت: «آگه نیستی کز سر در افتادت کلاه»
  - ۱) خرد بایسد اندر سر مردم و مغز
  - ۲) کلاه گوشه‌ی دهقان به آفتاب رسید
  - ۳) همه مردمی سرفرازی کنند
  - ۴) عقل را سنجیده‌ام سر تا به پا نقص است نقص
- گفت: «در سر عقل باید، بی کلاهی عار نیست»  
نبایسد مرا چون تو دستار نغز  
که سایه بر سرش انداخت چون تو سلطانی  
سر آن شد که مردم‌نوازی کند  
گرچه این دل دعوی صاحب کمالی می‌کند

۱۵۶ کدام گزینه با بیت زیر تناسب معنایی بیش‌تری دارد؟

گفت: «از بهر غرامت، جامه‌ات بیرون کنم»

گفت: «پوسیده است، جز نقشی ز پود و تار نیست»

معرفت متراش و بگذر این ستیز  
گفت از این خوردم که هست اندر سبو  
از برهنه کسی توان بردن گرو؟  
مست است و در حق او، کس این گمان ندارد

۱) محتسب گفت این ندانم خیزخیز  
۲) گفت هی مستی چه خوردستی، بگو؟  
۳) گفت مست: ای محتسب بگذار و رو  
۴) ای دل طریق رندی از محتسب بیاموز

۱۵۷ مفهوم کدام گزینه با گزینه‌های دیگر تفاوت دارد؟

تا کیمیای عشق بیایی و زر شوی  
یعنی خلیل‌پذیر نگرده بنای عشق  
مهرم به جان رسید و به عیوق بر شدم  
رسن تو را به فلک‌های برترین کشد

۱) دست از مس وجود چو مردان ره بشوی  
۲) عشق و اساس عشق نهادند بر دوام  
۳) چون شب‌نم اوفتاده بدم پیش آفتاب  
۴) در این چاهی تو چو یوسف خیال دوست رسن

۱۵۸ کدام گزینه با بیت «گویند روی سرخ تو سعدی که زرد کرد / اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم» تناسب معنایی

بیش‌تری دارد؟

چون ز مهر تو جدا گردد ز تن گردد جدا  
مهر روی دیگران از طبع بیرون کرده‌ام  
دزه تا مهر نبینند به ثریا نرسد  
شد مهر جمال تو ز هر دزه هویدا

۱) جان به تن پیوسته باشد تا در او مهرت بود  
۲) تا غم عشق تو اندر طبع من محکم شده‌ست  
۳) ز آسمان بگذرم ار بر منت افتد نظری  
۴) تا باد صبا پرده ز روی تو برافکند

۱۵۹ معنای فعل، از مصدر «گردیدن» در بیت ..... با بیت «نباید که گردی تو ای خوب کیش / ز پیمان و عهد وزگفتار

خویش» تناسب دارد.

همه عمر توبه کردم که نگردم از مناهی  
چو فرمان دو گردد نماند به جای  
بگردیدش از شورش عشق حال  
که خوش سخنی گیری و گه تلخ زبانی

۱) من اگر چنان که نهی است نظر به دوست کردن  
۲) خردم‌نند گویند که در یک سرای  
۳) یکی صورتی دید صاحب جمال  
۴) ای دوست به صدگونه بگردی به زمانی

۱۶۰ پیام کدام بیت، با ابیات دیگر «تفاوت» است؟

که شمع مردم آینه‌ده باشی  
به نور عشق اگر دل زنده باشی  
بالله کز آفتاب فلک خوبتر شوی  
زین پس شکی نماند که صاحب نظر شوی

۱) چسنان گرم از بساط خاک بگذر  
۲) فلک‌ها را توانی پشت سر دید  
۳) گر نور عشق حق به دل و جان افتد  
۴) وجه خدا اگر شودت منظر نظر

مفهوم بیت «گویند روی سرخ تو سعدی که زرد کرد  
است؟

اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم» با کدام بیت متناسب

- (۱) گر مسمی گردد ز گفتارت نفیر  
(۲) رخ و سرشک من نگر که کرده‌ای چو سیم و زر  
(۳) از کیمیای مهر تو زر گشت روی من  
(۴) من غلام آن مس همت پرست
- کیمیایا را هیچ از وی وامگیر  
تبارک الله ای پسر قوی است کیمیای تو  
آری به یمن لطف شما خاک زر شود  
که به غیر از کیمیایا نارد شکست



# مای درس

گروه آموزشی عصر

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

۱) گزینه ۲ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۲): دل، محلّ تجلّی خداست. مفهوم سایر گزینه‌ها:

- ۱) فرارسیدن عید و زیبایی ماه نو
- ۳) حضور معشوق نزد عاشق بدون حجاب
- ۴) غم‌گرایی

۲) گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

نوع بیان: ۱- جد ۲- طنز (ص ۲۱ کتاب فارسی ۳)

بیت‌های ۲، ۳ و ۴ بیانی جدی و خالی از طنز دارند اما در بیت گزینه‌ی ۱، چند مورد طنز رخ داده است: ۱- این که فقیه مدرسه مست بوده است! ۲- در حال مستی فتوا داده است! ۳- چون مست بوده، فتوای درست و به حقی داده است! (این که خوردن مال حرام بدتر است تا خوردن خمر و شراب)

۳) گزینه ۲ پاسخ صحیح است. مفهوم سؤال: در این جا محتسب خواهان رشوه از خاطی می‌شود و به او می‌گوید برای نجات از شرایط موجود رشوه بده و خود را از این گرفتاری برهان. در جواب می‌شنود که دین و شرع، قابل خرید و فروش نیست. همین مفهوم از بیت ۲ دریافت می‌شود.

۴) گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در این بیت، ردیف (کند) با واژه‌ی گذر، یک فعل مرکب است. یعنی، بگذرد ولی در بقیه‌ی ابیات به معنی «گرداند» و فعل اسنادی است.

۵) گزینه ۲ پاسخ صحیح است. بررسی آرایه‌های هر کدام از گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۱: جناس: عیش و عیب / ایهام: مدام: ۱- شراب ۲- پیوسته

گزینه‌ی ۲: حسن تعلیل: درخشندگی مشتری از عکس روی دلدار است / مجاز: ندارد

گزینه‌ی ۳: کنایه: مصراع دوم کنایه از زیبایی معشوق است / استعاره: ماه در مصراع اول استعاره از چهره‌ی معشوق است.

گزینه‌ی ۴: سر مجاز از قصد و نیت است / تشبیه: به رنگ ادات تشبیه است و شاعر هرکس که ... را به شمع تشبیه کرده است.

۶) گزینه ۳ پاسخ صحیح است. مفهوم بیت سؤال و گزینه‌ی سوم این است که «عشق مایه‌ی کمال است»، عشق هم‌چون اکسیری است که اگر در وجود آدمی بیفتد، مس وجود او را به زر تبدیل می‌کند.

۷) گزینه ۴ پاسخ صحیح است. مفهوم بیت سؤال:

برای رسیدن به معبود ازلی، باید جان خود را نثار کنی.

اگر از جسم چون مس خود دست بشویی و آن را رها کنی آن‌گاه مس وجودت به زر تبدیل می‌شود و به کمال خواهی رسید. (از فرش به عرش رسیدن)

معنی بیت ۴: تا زمانی که زنده هستم، عشقت را فراموش نخواهم کرد. همان‌طور که ملاحظه می‌فرمایید، مفهوم بیت ۴ متفاوت است.

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

- ۸ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. مفهوم ابیات ۱، ۲ و ۳: اگر در زندگی عشق را برگزینی، عشق تو را به کمال می‌رساند و به هر چه بخواهی، می‌توانی دست یابی. مفهوم بیت ۴، متفاوت است. هر کسی بدون اراده‌ی خود در جستجوی معشوق است. تا بینم معشوق چه کسی را برمی‌گزیند.
- ۹ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. بیت گزینه (۳) در «نکوهش زیاده‌خواهی‌ها» است. مفهوم ابیات مرتبط «کمال‌طلبی» است. وقتی می‌توانی خیلی «عالی» باشی به خوب بودن بسنده مکن. گزینه ۳ پاسخ صحیح است.
- ۱۰ در گزینه (۳)، «شکست» در معنی اسمی به کار رفته و در سایر گزینه‌ها در معنی «فعل» به کار رفته است. گزینه ۲ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۲): گذشتن از وجود بی‌ارزش خود برای رسیدن به مقصود حقیقی بررسی سایر گزینه‌ها:
- گزینه (۱): وحدت وجود در عین کثرت جلوه‌های ذات حق  
گزینه (۳): عاشق به یار مشغول و یار به خود مشغول است.  
گزینه (۴): تا زندگی جاری است، مایی و منی انسان‌ها برقرار است.
- ۱۲ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در همه ابیات مشترک شاعر معتقد است که «با جهد و تحمل سختی و ریاضت می‌توان نفس را تأدیب نمود»، اما در بیت گزینه (۲) این‌گونه آمده است که «تحمل سختی و رنج در اصلاح نفس چندان تأثیری ندارد». بررسی سایر گزینه‌ها:
- گزینه (۱): نفس سرکش بدون تحمل رنج و سختی به درجه راهبری نمی‌رسد.  
گزینه (۳): بدون تهذیب نفس و ریاضت، انسان نمی‌تواند در دل‌های مردم نفوذ کند.  
گزینه (۴): با تحمل سختی و ریاضت کشیدن‌ها است که جسم انسان، والامقام می‌شود.
- ۱۳ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. مفهوم بیت گزینه (۱): افراد صادق همیشه از دست فلک و سرنوشت در عذاب هستند. مفهوم مشترک ابیات دیگر: توصیه به اخلاص عمل
- ۱۴ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. مفهوم کلی صورت سؤال: «وفاداری عاشق تا مرگ»، اما در گزینه (۳) «وفاداری و پایداری در عشق تا ابد» مورد نظر است.

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir



- ۱۵) گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در این گزینه هر دو بیت اشاره به «عدم فراموشی یاد یار دارند که عاشق واقعی هرگز معشوق را فراموش نخواهد کرد.»  
بررسی سایر گزینه‌ها:
- گزینه (۱): بیت اول «جانبازی عاشق را غریب نمی‌داند» و بیت دوم به مفهوم «ترس» اشاره می‌کند.
- گزینه (۳): بیت اول می‌گوید «عاشق تا لحظه مرگ در فکر معشوق است» و بیت دوم می‌گوید «یاد معشوق، مرده را زنده می‌سازد و عاشق پس از مرگ با یاد یار از نیستی، هست می‌شود.»
- گزینه (۴): بیت اول می‌گوید «آیا عشق ظاهری و صوری است یا عمیق و درونی؟» در حالی که بیت دوم می‌گوید «چون عاشق شدی باید جان ببازی و غم خوری و تن در دهی به آن.»
- ۱۶) گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در این بیت برخلاف سه بیت دیگر، طنز دیده نمی‌شود و کلام جدی است.
- ۱۷) گزینه ۱ پاسخ صحیح است.
- ۱۸) گزینه ۱ پاسخ صحیح است.  
مفهوم مشترک سه بیت دیگر: همه آلوده به گناه هستند اما برخی تظاهر به پاک‌دامنی می‌کنند.  
معنای بیت نخست: ای یار، تو با عشق خود مرا مست کرده‌ای و این مستی عشق از سر من بیرون نمی‌رود، چرا مرا بابت مستی مجازات می‌کنی؟ در شرع هم مست را تا مستی از سرش نپریده باشد، شلاق نمی‌زنند!
- ۱۹) گزینه ۱ پاسخ صحیح است. صواب: مصلحت، صلاح، درست
- ۲۰) گزینه ۲ پاسخ صحیح است.  
مفهوم گزینه‌ی (۲): لازمی کمک به دیگران، تحمل سختی‌ها و ترک انزوا است.  
مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: بی‌تعلقی عاشقان
- ۲۱) گزینه ۴ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک در سه بیت ۱، ۲ و ۳: ایمن بودن مردان خدا از خطرات و آفات دنیای مادی
- ۲۲) گزینه ۳ پاسخ صحیح است. «مست و هشیار» بانو پروین اعتصامی در قالب «قطعه»، با شیوه‌ی بیان «طنز» و در زمره‌ی ادبیات تعلیمی است.
- ۲۳) گزینه ۱ پاسخ صحیح است. (ص ۱۹)
- ۲۴) گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در همه گزینه‌ها به‌جز گزینه (۲) به «وفاداری عاشق تا زمان مرگ» اشاره کرده است که با مفهوم سؤال قرابت دارد.
- ۲۵) گزینه ۳ پاسخ صحیح است. مفهوم گزینه (۳): انسان عارف، بی‌ادعا و رازدار است.  
در سایر گزینه‌ها به «ناتوانی انسان در شناخت خداوند و شناخت اسرار الهی» اشاره شده است.
- ۲۶) گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در این گزینه به «دل مرکز انوار الهی است» اشاره شده است و با بقیه گزینه‌ها منافات دارد.
- ۲۷) گزینه ۳ پاسخ صحیح است. این بیت در تقابل با ابیات دیگر است و می‌گوید که «زمانی مهر تو از دلم بیرون می‌رود که مرده باشم». در گزینه‌های ۱، ۲ و ۴ به این مطلب اشاره شده است که «عشق و دوست داشتن بعد از مرگ هم از بین نمی‌رود».

۲۸ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۲): دل، محلّ، تجلّی خداست. مفهوم سایر گزینه‌ها:

- ۱) فرارسیدن عید و زیبایی ماه نو
- ۳) حضور معشوق نزد عاشق بدون حجاب
- ۴) غم‌گرایی

۲۹ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۳): نکوهش وابستگی به پدیده‌ای ناچیز، با وجود پدیده‌ای ارزشمندتر مفهوم سایر گزینه‌ها:

- ۱) توصیف موانع بینش
- ۲) اثرگذاری نگاه معشوق
- ۴) توجّه به هشپاری در شرایط مطلوب

۳۰ گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

۳۱ گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

۳۲ گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

۳۳ گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

۳۴ گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

۳۵ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. مضمون مشترک گزینه‌های ۲، ۳ و ۴، رویدن و شکفتن گل‌های سرخ رنگ پس از مرگ، از خاک و تربت گور عاشق به واسطه‌ی عشق معشوق.

۳۶ گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

در عبارت «ج»، صواب به معنی «مصلحت، پسندیده، صلاح و درست» مناسب و صحیح نیست و با توجّه به معنا و همراهی واژه‌های صراط (پلی باریک‌تر از مو میان بهشت و جهنّم) و ترازو (مجازاً سنجش و محاسبه‌ی اعمال) می‌توان دریافت که ثواب (اجر و پاداش آخروی، مزد کار نیک) درست است. در عبارت «د» نیز، امارت (حکمرانی، فرمانروایی) تناسب صحیحی ندارد و عمارت (آباد کردن، آبادانی، بنا کردن) صحیح است.

۳۷ گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

۳۸ گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

۳۹ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. مضمون کلی این بیت و حکایت مست و هوشیار یکی است.

۴۰ گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

۴۱ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. سایر ابیات به «وحدت وجود» اشاره دارد یعنی «تمام هستی پیدا و پنهان نشان‌دهنده‌ی خداوند است». اما در گزینه (۴) به «ترک تعلق» اشاره دارد.

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

- ۴۲) گزینه ۳ پاسخ صحیح است. مفهوم بیت سؤال و جواب این است که «وقتی معشوق به وضوح دیده می‌شود نباید به چیزهای دیگر پردازیم.»  
بررسی سایر گزینه‌ها:  
گزینه (۱): به زیبایی معشوق اشاره شده است و حتی خورشید نیز در برابر معشوق زیبایی ندارد.  
گزینه (۲): همه چیز من از معشوق و نشانی از اوست.  
گزینه (۴): آن کس عشق را می‌فهمد که خودش در این مسیر سختی‌هایش را طی کرده باشد.  
«محرم این هوش جز بی‌هوش نیست»
- ۴۳) گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در بیت صورت سؤال تکیه بر این نکته است که «درون انسان به اندازه یک جهان عظمت وجود دارد»، اما بیت گزینه (۲) می‌گوید «هیچ خیری در وجود انسان نیست.»
- ۴۴) گزینه ۳ پاسخ صحیح است.  
مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۳): کمال بخشی عشق به عاشق  
مفهوم سایر گزینه‌ها:  
(۱) عشق موجب بصیرت است. / تنها عاشق ارزش معشوق را درک می‌کند.  
(۲) ذکر مصیبت ممدوح  
(۴) تسلط بدی بر خوبی / دگرگونی ارزش‌ها
- ۴۵) گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در گزینه (۳) «عاشق با تمام وجود و از جان به معشوق عشق می‌ورزد.» در سایر گزینه‌ها عاشق غم عشق را به بهای جان می‌خرد.
- ۴۶) گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در این دو بیت گفته شده که «عشق ارزش‌آفرین و کمال‌بخش است»، اما در سایر ابیات به ترتیب «ب» به «بلندهمتی» اشاره می‌کند، «ج» به «فروتنی» اشاره می‌کند که «باعث تعالی و عظمت و بلندی می‌شود». «د» هم می‌گوید «عاشق در فراق یار می‌گرید و قطرات اشک او در خاک فرو می‌رود.»
- ۴۷) گزینه ۱ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۱): وحدت وجود مفهوم سایر گزینه‌ها:  
(۲) ناپایداری دنیا  
(۳) فساد اجتماعی و رواج دروغ‌گویی / دروغ‌گویی مایه‌ی عزت‌مندی است.  
(۴) فروتنی مایه‌ی سربلندی است.
- ۴۸) گزینه ۴ پاسخ صحیح است. عاشق هرگز نمی‌تواند در فراق معشوق، آسوده خاطر باشد. این مفهوم در بیت سؤال و گزینه ۴ آمده است.
- ۴۹) گزینه ۲ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک ابیات گزینه‌های ۱، ۳ و ۴ «خرسند بودن عاشق از دور نگرستن به معشوق» است. (اگر امکان وصال معشوق برای عاشق فراهم نباشد، نگاه کردن از دور برای او کفایت می‌کند).  
بیت گزینه‌ی ۲ بیان‌گر زیبایی بی‌نظیر معشوق است.
- ۵۰) گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در ابیات گزینه‌های ۲، ۳ و ۴ به ترتیب وجود اصطلاحات «از سر جان خاستن»، «دست شستن از چرک دنیا» و «پشت بر دنیا کردن» بیانگر «بی‌تعلقی و عدم وابستگی» یا «وارستگی» است.  
مفهوم بیت گزینه‌ی ۱: لزوم طلب همت (نفس و دعای پیر و توجه مرشد) برای رسیدن به مقصود
- ۵۱) گزینه ۴ پاسخ صحیح است. عشق مایه‌ی ارزش‌بخشی است.

۵۲ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. مضمون مشترک گزینه‌های ۱، ۲ و ۳: تا توشه و اندوخته‌ای داری راضی و خرسند باش و هیچ خوشه‌چینی نکن و ناله و اعتراضی سر نده.

۵۳ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. مضمون مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی ۳: هر آنچه را که بخواهی در وجود خودت بطلب. زیرا که همه‌ی اسرار و معارف عالم و آنچه در جهان هستی موجود است در وجود خودت است. گزینه ۱، اغتمام فرصت / گزینه ۲، تأکید بر شناخت جایگاه خود / گزینه ۴، نکوهش غفلت از یاد خدا

۵۴ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک گزینه‌های مرتبط: آمادگی عاشق برای جانبازی در راه معشوق و تحمل سختی‌های عشق مفهوم گزینه‌ی ۱: آن‌که از سرزنش دیگران، ناله و فغان سر می‌دهد بهتر است راه سلامت را پیش گیرد.

۵۵ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک گزینه‌های ۱، ۲ و ۳: وحدت وجود یعنی هرچه در جهان آفرینش است، جلوه‌ای از ذات خداست.

مفهوم گزینه (۴): خودشناسی عاملی برای شناخت آفرینش و سرچشمه آن است. (نفس انسان جام جهان‌نمای آفرینش است.)

۵۶ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. دیدار معشوق از دور چه بسا بهتر است همان‌طور که ماه در نزدیکی به خورشید، لاغرتر می‌شود، پس چه بسا دوری خوش‌تر است.

۵۷ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک ابیات «الف، ج، د»: مبارزه با نفس و خود برای پیوستن به پروردگار مفهوم بیت «ب»: رسیدن به معرفت و شناخت

مفهوم بیت «ه»: شاعر ارزش جانش را کم‌تر از آن می‌داند که معشوق حتی برای نجات جان او به بالینش آید.

۵۸ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک صورت سؤال و بیت گزینه‌ی ۲ در این است که عاشق از جانفشانی در راه عشق ترسی و هراسی ندارد.

۵۹ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ساختند در بیت گزینه‌ی ۱ فقط به مفعول احتیاج دارد و در سایر گزینه‌ها به مفعول و مسند محتاج است.

۶۰ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. املای درست واژه: صواب: درست (ثواب: پاداش اخروی کار نیک)

۶۱ گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

مفهوم بیت مورد سؤال: مذمت «رشوه‌خواری» است. چنین مفهومی از بیت «۱» دریافت می‌شود.

۶۲ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. معنی درست واژه‌ها: دستور: اجازه، راهنما، وزیر / سودا: خیال، دیوانگی، اشتیاق / بطالت: بیکاری، بیهودگی، کاهلی / نشئه: حالت سرخوشی، کیفوری، سرمستی

۶۳ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. مفهوم بیت سؤال و گزینه (۱): در مسیر عشق (خدا) قدم برداشتن و زیان ندیدن. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲): اظهار ادب و تواضع

گزینه (۳): درخواست وصال و ترک تعلقات دیگر

گزینه (۴): عاشقان معشوق بسیارند.

۶۴ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در هر دو بیت به این مفهوم اشاره شده است که دیدن معشوق از دور زیباتر و شایسته‌تر است.

۶۵ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. بهر ← بحر

۶۶ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. «حداقل قطعه دو بیت است ولی مصراع اول (مطلع) آن مصرع نیست. فقط مصراع زوج از بالا به پایین هم قافیه‌اند و مصراع‌های فرد، قافیه ندارند به همین دلیل گزینه ۲ از سایر گزینه‌ها که درباره قطعه صدق می‌کند، استثنا شده است.

۶۷ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در بیت گزینه اول، صائب تبریزی با زبان جد، به عمق عشق در وجود عاشقان خدا اشاره می‌کند و طنزی در کار نیست.

شاعران در سه بیت دیگر، سرزدن جرم و خطا را از حاکمان و مدعیان پارسایی، به ریشخند گرفته‌اند. (این تست براساس تمرین صفحه ۲۱ کتاب فارسی ۳ طراحی شده است.)

۶۸ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. مفهوم بیت صورت سؤال این است که عاشق همیشه به یاد معشوق است و هرگز او را فراموش نمی‌کند. برخلاف این مفهوم، در بیت گزینه ۱، عاشق گلابه‌کنان، در خطاب به معشوق می‌گوید دیگر به یاد قد دلجوی او نخواهد بود.

۶۹ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک مصراع دوم بیت صورت سؤال و گزینه ۲ تعالی‌بخش بودن عشق است.

۷۰ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. مفهوم بیت سؤال: محتسب و مجری قانون خود اهل شراب‌خوارگی است. همین مفهوم از بیت «۲» دریافت می‌شود.

۷۱ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. گزینه ۲ (اعراض و انصراف گزینه ۳) مستور و پنهان گزینه ۴ (سور و عروسی

۷۲ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. مفهوم ابیات «۱، ۳ و ۴»: زندگی که فقط به خوردن و خوابیدن و زندگی دنیوی محدود شود، باعث تنزل مقام انسانی می‌شود.

۷۳ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. (تلخ و شیرین: تضاد) (واج «ش» تکرار شده است: واج آرایه) (شور: ایهام تناسب ۱- عشق ۲- مزه شور که با شیرین تناسب دارد.) (شاهد: استعاره از محبوب، معشوق، زیبارو)

۷۴ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. که چشم از تو دارد به نیکی ثواب

۷۵ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در بیت سؤال، شاعر درک و فهم و اندیشه را گرامی می‌شمرد. بیت «۲» نیز، بیانگر چنین مفهومی است.

۷۶ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در بیت صورت سؤال وصال را نتیجه سعی و تلاش می‌داند، در گزینه ۲ نیز شاعر توصیه به تلاش همراه با آهستگی می‌کند و به عاشق سفارش می‌کند که در این راه شتاب نداشته باشد. اما مفهوم سایر گزینه‌ها، کاملاً برخلاف بیت صورت سؤال، نغی کوشش و تلاش و بی‌فایده دانستن آن در راه عشق است.

۷۷ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. مفهوم گزینه ۱ این است که در راه دشوار عشق نباید شتاب کرد، اما مفهوم سایر گزینه‌ها تعالی بخش بودن عشق است.

۷۸ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. مفهوم گزینه ۲ گله و شکایت از محتسب سخت‌گیر است، اما مفهوم بیت صورت سؤال و سایر گزینه‌ها فاسد و ریاکار بودن محتسب است.

۷۹ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و گزینه ۳ جان‌فشانی عاشقانه است و اینکه عاشق در راه عشق، از جان خود می‌گذرد، مفهوم گزینه ۱ این است که آموزه‌های عشق در مکتب قابل آموختن نیست، در گزینه ۲ سخن از دادن دل و دانش در راه عشق است و در گزینه ۴ شاعر افرادی را نفرین می‌کند که عاشق نیستند و حسرت دیدار معشوق را ندارند.

۸۰ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. مفهوم گزینه‌ی ۳ ستایش ممدوح است و شاعر مدعی است که همه‌ی صفت‌های معقول و خردپسند را خداوند در وجود ممدوح او گذاشته است. اما مفهوم سایر گزینه‌ها ستایش خرد و خردورزی است. گفت: در سر عقل باید، بی‌کلاهی عار نیست!

۸۱ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ باده‌نوشی و مست‌بودن همه‌ی افراد جامعه است، اما در گزینه‌ی ۴ سخن بر سر «عواقب زیاده‌روی در باده‌نوشی و مستی» است.

۸۲ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. واژه‌های نادرست، به همراه معنی درست آن‌ها:  
(۱) استقرار: برپایی (۲) منسوب: نسبت داده شده (۳) داروغه: نگهبان، پاسبان، شبگرد  
(۴) اکراه: ناخوشایندبودن (۵) مزید: زیادی و افزونی (۶) نبات: گیاه رُستنی

۸۳ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. مفهوم گزینه‌ی ۱: دشواری‌های راه عشق / پاک‌بازی  
مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: وفاداری عاشق و جاودانگی عشق

۸۴ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی ۲: کمال‌بخشی عشق  
مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) اثرگذاری عاشق در عشق با وجود رنجوری و ناتوانی  
(۳) هر کسی لیاقت و ظرفیت عشق را ندارد / پاک‌بازی  
(۴) برتری عشق بر خوب‌رویی

۸۵ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. واژه‌ی «گفت» در این گزینه اسم است (به معنی سخن) و در سایر گزینه‌ها فعل.

۸۶ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. معنی درست واژه‌ها در سایر گزینه‌ها:  
(۱) آبنوس: درختی است که چوب آن سیاه، سخت، سنگین و گران‌بها است.  
(۳) صفوت: برگزیده، برگزیده از افراد بشر  
(۴) گرزه: ویژگی نوعی مار سمی و خطرناک

۸۷ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی ۱: کمال‌بخشی عشق  
مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۲) ارزشمندی دل  
(۳) ارزشمندی عنایت از جانب معشوق  
(۴) ارزشمندی سخن

۸۸ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک بیت سؤال و ابیات گزینه‌ی ۴: نکوش رشوه‌خواری  
مفهوم سایر بیت‌ها:

الف) ناسازگاری روزگار با انسان و توصیف ناکامی  
ب) توصیف قلم  
ج) گریزناپذیر بودن مرگ

۸۹ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. معنی درست واژه: دهش: بخشش  
[www.mydars.ir](http://www.mydars.ir)

۹۰ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی ۳: توکل موجب عافیت است. مفهوم سایر گزینه‌ها:

۱) تأثیر معشوق بر پدیده‌های جهان / طلب ترحم و عنایت از معشوق

۲) ناپایداری دنیا

۴) ناپایداری زیبایی زیبارویان و مصون ماندن پیشانی و چشم!

۹۱ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. مفهوم گزینه‌ی ۲: تقابل عشق و صبر. مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: حال عاشق را تنها عاشق درک می‌کند.

۹۲ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک ابیات گزینه‌ی ۲: کمال‌بخشی عشق. مفهوم سایر ابیات:

الف) ارزشمندی قناعت  
ج) کمال در فروتنی است.

۹۳ گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

فعل «است» در بیت سؤال و گزینه‌ی ۳ در معنی «وجود داشتن» به کار رفته و در سایر گزینه‌ها «اسنادی» است.

۹۴ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. مفهوم گزینه‌ی ۲: خاکساری در برابر معشوق و طلب عنایت از او. مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: تجلی وجود خداوند در پدیده‌های جهان

۹۵ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. مفهوم سه گزینه‌ی نخست این است که عشق انسان را به بالاترین درجه تعالی و کمال می‌رساند اما در گزینه‌ی ۴ به این موضوع می‌پردازد که رسیدن به آسایش و امنیت در گرو عشق به خدا است.

۹۶ گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

ضمیر پیوسته، «ت» در گزینه‌ی ۱ مفعول است (تو را دور کرد) اما در سایر گزینه‌ها مضاف‌الیه است. گزینه‌ی ۲: جان تو - در گزینه‌ی ۳: سر تو - در گزینه‌ی ۴: نظر تو (به دلیل پرش ضمیر «ت» در «شودت»)

۹۷ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ترکیب‌های اضافی عبارت‌اند از: سرت، هوای وصال، خاک درگه، درگه اهل، اهل هنر

۹۸ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. ضمیرها به ترتیب: «ت» در مصراع اول نقش مفعول دارد (دورت کرد). ضمیر دوم و سوم واژه‌ی «خویش» است که در مصراع اول به دنبال اسم آمده و نقش مضاف‌الیه‌ی دارد و در مصراع دوم به دنبال حرف اضافه قرار گرفته و متمم است.

۹۹ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها بیان‌گر این است که عشق انسان را از پایین‌ترین درجه به بالاترین مرحله‌ی کمال می‌رساند. اما در گزینه‌ی ۳، به فریادرسی عشق اشاره شده است.

۱۰۰ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ضمیر پیوسته «ت» که ضمیر دوم شخص بیت‌هاست در گزینه‌های (الف، پ و ث) نقش مضاف‌الیه‌ی دارد و در گزینه‌های (ب و ت) نقش مفعول. در گزینه‌های الف و پ پرش ضمیر وجود دارد به این شرح: الف) منظر نظرت، پ) کلاه از سرت افتاد

- ۱۰۱) گزینه ۴ پاسخ صحیح است. بیت متن سؤال و بیت گزینه درست هر دو به یک نکته اشاره دارند و آن این که «در درون هر ذره، صد آفتاب تابان وجود دارد».
- گزینه (۱): عاشق گرچه خود را حقیر می‌داند اما از دولت عشق، هم‌چون ذره‌ای است که به خورشید می‌رسد.
- گزینه (۲): اگر معشوق نظری به عاشق افکند، به اوج و عظمت خواهد رسید، هم‌چو ذره‌ای که در مسیر آفتاب به اوج آسمان می‌رسد.
- گزینه (۳): اگر هزاران ذره در آسمان کم شود کم‌ترین نقصانی به آفتاب نمی‌رسد.
- ۱۰۲) گزینه ۲ پاسخ صحیح است. مفهوم کلی عبارت متن: «بی‌خبری و از خود بی‌خود شدن» است که در حالت عبادت و مناجات به عاشق حقیقی دست می‌دهد و این مفهوم در بیت گزینه درست یافت می‌شود. شاعر در حضور یار از خود بی‌خود می‌شود و از خود خبری ندارد.
- مفهوم بیت گزینه (۱): در راه عشق الهی اگر تمام هستی انسان نابود شود نباید به آن توجهی نشان داد.
- مفهوم بیت گزینه (۳): در جذب عشق الهی نه تنها انسان بلکه پدیده‌های طبیعی نیز بی‌تأثیر نمی‌مانند.
- مفهوم بیت گزینه (۴): مخاطرات و سختی‌های عشق الهی را باید با جان و دل پذیرا شد.
- ۱۰۳) گزینه ۲ پاسخ صحیح است.
- بیت سؤال بیانگر این مفهوم است که «باید به رموز عاشقی آشنا باشی تا راه در حقیقت باز کنی، پس نامحرمان اسرار الهی در خلوت انس جایی ندارند»، این مفهوم با بیت گزینه (۲) تناسب دارد.
- ۱۰۴) گزینه ۲ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک: عشق مایه‌ی کمال است.
- گزینه (۱): وحدت وجود / گزینه (۳): پدیداری خدا در پدیده‌ها / گزینه (۴): فقر عارفانه موجب بزرگی و بی‌اعتنایی به جهان
- ۱۰۵) گزینه ۳ پاسخ صحیح است.
- گزینه (۱): «مناظره‌ی مست و هشیار» در قالب قطعه آمده است.
- گزینه (۲): «تذکره‌الاولیا» تنها اثر مشهور عطار است.
- گزینه (۴): درون‌مایه‌ی اشعار تعلیمی مشروطه «اخلاقی و عرفانی» نبودند.
- ۱۰۶) گزینه ۳ پاسخ صحیح است. خمّار: می‌فروش (خانه‌ی خمّار: میکده)
- ۱۰۷) گزینه ۴ پاسخ صحیح است.
- «سعدی‌نامه یا بوستان» اثر ارجمند شاعر و نویسنده ایرانی، سعدی شیرازی است که در سال ۶۵۵ ه.ق آن را سروده و در ده باب تنظیم شده است.
- ۱۰۸) گزینه ۲ پاسخ صحیح است. مفهوم کلی دو بیت: ارزش‌بخشی عشق  
 حزین لاهیجی:  
 بر فرق فرقدان نهم از اقتدار پای / تا بسته‌ام به درگه تو بنده‌واره دست  
 سعدی:  
 گویند روی سرخ تو سعدی که زرد کرد؟ / اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم



- ۱۰۹) گزینه ۱ پاسخ صحیح است. مفهوم سه گزینه دیگر «فراگیری باده‌نوشی» است، اما در بیت نخست شاعر مخاطبش را زنه‌ار می‌دهد که از هم‌نشینی با او اجتناب کند. چرا که بدن‌ام می‌شود.
- ۱۱۰) گزینه ۱ پاسخ صحیح است. مفهوم گزینه‌های ۲، ۳ و ۴ باده‌نوشی محتسب است؛ اما در گزینه ۱، شاعر فقط به تیز بودن و باهوش محتسب اشاره می‌کند.
- ۱۱۱) گزینه ۳ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک دو بیت: ترجیح باطن بر ظاهر سعدی:  
صورت زیبای ظاهر هیچ نیست / ای برادر سیرت زیبا بیار
- ۱۱۲) گزینه ۱ پاسخ صحیح است. فعل «می‌گشت» در گزینه دوم در معنی گردیدن و جست‌وجو کردن به‌کار رفته است، ولی در سایر ابیات به معنی اسنادی «شد» به‌کار رفته است.
- ۱۱۳) گزینه ۱ پاسخ صحیح است. مفهوم گزینه‌ی (۱): صداقت عاشقانه  
مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: کمال بخشی عشق
- ۱۱۴) گزینه ۳ پاسخ صحیح است. امروز در فراق تو دیگر به شام شد: شد (= رفت)، در سایر گزینه‌ها «شد» فعل اسنادی است.
- ۱۱۵) گزینه ۲ پاسخ صحیح است. عشق موجب کمال و برتری افراد و ارزشمندی وجود عاشقان است، گزینه (۲) اشاره می‌کند که «انسان با مرگ و پایان زندگی به امنیت خواهد رسید».
- ۱۱۶) گزینه ۴ پاسخ صحیح است. مفهوم سه گزینه‌ی نخست «جان‌بازی در راه عشق و معشوق» است، ولی مفهوم گزینه‌ی چهارم «عاجزی در صبوری در مقابل معشوق» است.
- ۱۱۷) گزینه ۴ پاسخ صحیح است. مفهوم صورت سؤال «کمال‌بخشی عشق» است. شاعر در گزینه‌ی چهارم نیز می‌گوید:  
چهره‌ی ما نیز از اکسیر عشق هم‌چون طلا زرد شده است.
- ۱۱۸) گزینه ۴ پاسخ صحیح است. مفهوم بیت صورت سؤال این است که فرهاد (-عاشق) هیچ‌گاه شیرین (-معشوق) را فراموش نمی‌کند، در حالی که در بیت چهارم عاشق می‌گوید دیگر به یاد تو (-معشوق) نخواهم بود.
- ۱۱۹) گزینه ۲ پاسخ صحیح است. مفهوم بیت دوم: تقابل عقل و عشق (و ناچیز بودن عقل در مقابل عشق)  
مفهوم سایر ابیات: ارزش‌بخشی عشق  
هاتف اصفهانی:  
جان‌گذاری اگر به آتش عشق / عشق را کیمیای جان بینی
- ۱۲۰) گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در ۳ گزینه‌ی دیگر رستم و اشکبوس با طنز مشغول رجز خواندن هستند.
- ۱۲۱) گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در بیت ۳ فعل «گرفتن» در معنای «دستگیر کردن» است و در سایر ابیات، معنای «اثر کردن» می‌دهد.

۱۲۲) گزینه ۳ پاسخ صحیح است. بیت صورت سؤال بیان‌گر اهمیت عقل و ستایش عقلانیت است، در میان گزینه‌ها، فقط در گزینه‌ی سوم به ستایش عقل پرداخته شده است.

۱۲۳) گزینه ۴ پاسخ صحیح است. مفهوم عبارت صورت سؤال درخواست رشوه از طرف محتسب است، رشوه به عنوان یک پدیده‌ی مذموم اجتماعی فقط در گزینه‌ی چهار آمده است: رشوه گرفتن از مردم نشانه‌ی فساد است. مفاهیم سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: عظمت مقام ممدوح

گزینه ۲: ناگزیری مرگ و این‌که مرگ به سراغ همه می‌آید.

گزینه ۳: بخشش بی‌توقع خداوند

۱۲۴) گزینه ۳ پاسخ صحیح است. شهربند: زندانی، محبوس

فصاحت: درستی و شیوایی

متصوفه: صوفیان، عارفان

داروغه: نگهبان

غرامت: تاوان، جبران خسارت مالی و غیره

۱۲۵) گزینه ۲ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک و کلی ۲ بیت: فاسد شدن مسئولین و حاکمان جامعه، آنانی که مردم را از گناه برحذر می‌دارند، اما خود گناه می‌کنند.

معنی بیت گزینه‌ی ۲: به محتسب شهر بگویید که امشب دستار را به همراه داشته باش، زیرا پاسبانان در بیرون میخانه کشیک می‌دهند و بلکه بخواهی روی خود را با آن بپوشانی تا از دید آنان مخفی بمانی.

۱۲۶) گزینه ۱ پاسخ صحیح است. فعل «کردن» در گزینه‌ی نخست به معنی «عمل کردن» است و در سایر گزینه‌های به معنی «ساختن» است:

گزینه ۱: مانند مردان بدان چه گفت «عمل کرد»

گزینه ۲: چه فایده اگر من دستی از گوهر «بسازم»

گزینه ۳: گفت آن روزی که این گنبد مینا را «می‌ساخت»

گزینه ۴: مگر آن‌گاه که کوزه‌گر از خاکم، سبو «بسازد»

۱۲۷) گزینه ۴ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک گزینه‌های «ب، ج، د، و» کمال‌بخشی عشق است. در این میان فقط ابیات «ب، ج، د» در یک گزینه آمده‌اند.

مفهوم گزینه‌ی «الف»، توصیه به شناخت قدر خویش است و در گزینه‌ی «ه» شاعر به علت ارزشمندی اشعارش می‌پردازد.

۱۲۸) گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در بیت «الف» و «د» فعل‌های «نگیریم» و «مگیر» از مصدر «گرفتن» به معنای «خرده گرفتن» است:

الف) حافظ آر خصم خطا گفت نگیریم بر او: ای حافظ! اگر دشمن خطا گفت بر او خرده نگیریم.

ب) بر مردم رند نکته بسیار مگیر: به مردم زیرک، زیاد خرده نگیر.

بررسی سایر گزینه‌ها:

ج) «گرفتن» به معنی «به دست آوردن» است.

ب) «گرفتن» به معنی «دچار شدن» است. (تبم گرفت: به تب دچار شدم.)

- ۱۲۹) گزینه ۴ پاسخ صحیح است.
- ۱۳۰) گزینه ۴ پاسخ صحیح است. (بسوخت ← بسوزاند)
- ۱۳۱) گزینه ۱ پاسخ صحیح است.
- ۱۳۲) گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «گرفت» در این بیت، به معنای «اثر کرد، تأثیر گذاشت = شعله‌ور شد» به کار رفته است. بررسی سایر گزینه‌ها:  
فعل «گرفت» در گزینه‌های ۲، ۳ و ۴ به معنای «اخذ کرد، ستاند» به کار رفته است.
- ۱۳۳) گزینه ۲ پاسخ صحیح است. فعل «شد» در هر مصراع این بیت، به معنای «رفت» و فعل ناگذر است. بررسی سایر گزینه‌ها:  
فعل «شد» در گزینه‌های ۱، ۳ و ۴، فعل اسنادی از مصدر «شدن» است.
- ۱۳۴) گزینه ۴ پاسخ صحیح است. مفهوم بیت سؤال و گزینه ۴: تعالی‌بخش بودن و اثر کیمیایی عشق مفهوم سایر گزینه‌ها:  
گزینه ۱: یکسان نبودن ارزش پدیده‌های مشابه  
گزینه ۲: کم نشدن ارزش ذاتی در سختی‌ها و بلاها  
گزینه ۳: تأثیر ویرانگر هم‌نشین نامناسب
- ۱۳۵) گزینه ۳ پاسخ صحیح است. مفهوم گزینه ۳: شدت دلتنگی عاشق  
مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: عشق سبب اعتلای عاشق است و او را از خاک به افلاک می‌رساند.
- ۱۳۶) گزینه ۳ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک بیت‌های گزینه ۳: ضرورت تسلیم بودن عاشق در راه عشق  
مفهوم سایر گزینه‌ها:  
۱) بیت اول: هرکس عاشق نیست الهی بمیرد! / بیت دوم: وفاداری عاشق تا پای جان  
۲) بیت اول: بی‌وفایی معشوق و بی‌توجهی او به عاشق / بیت دوم: بی‌توجهی عاشق به سرزنش ملامت‌گران (ملامت‌کشی عاشقانه)  
۴) بیت اول: حال عاشق را تنها عاشق می‌فهمد. / بیت دوم: بی‌خبری عاشق
- ۱۳۷) گزینه ۴ پاسخ صحیح است. بیت پرسش و سه گزینه ۱، ۲ و ۳ نهایت فساد جامعه را بازگو می‌کنند.
- ۱۳۸) گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در صورت پرسش و گزینه ۳، به ریاکاری حاکمان اشاره شده است.
- ۱۳۹) گزینه ۴ پاسخ صحیح است. مفهوم محوری «مناظره‌ی مست و هشیار پروین اعتصامی» این است که فساد و تباهی، جامعه، مردم و حاکمان را در بر گرفته است، قاضی به وظایفش بی‌توجه است، والی خود مست است و ساکن میکده، مأمور اجرای حدود و قوانین دین، رشوه‌خوار است و بی‌توجه به قوانین دین و مردم همه مست و رسوا و تباه، نظیر همین شرایط در بیت چهارم نیز بیان شده است.
- ۱۴۰) گزینه ۳ پاسخ صحیح است. مگر در همه‌ی گزینه‌ها به معنی «حتماً» است. در گزینه ۳ به معنی «به‌جز» است.
- ۱۴۱) گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در گزینه ۳ «پریدن در معنای کنایی «جان پریدن» «به در رفتن» «بیرون رفتن» و نهایتاً «مرگ» است. در سایر گزینه‌ها به معنی پرواز کردن است.

- ۱۴۲) گزینه‌ی ۴ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۴): عشق، ارزش بخش و تعالی دهنده است. بررسی مفهوم سایر گزینه‌ها:  
 (۱) اظهار حقارت و خاکساری عاشق در برابر مقام و منزلت والای معشوق  
 (۲) پای‌بندی عاشق به معشوق، عاشق همواره به یاد معشوق و در سوز و گداز عشق به اوست.  
 (۳) گله و شکایت از جفای معشوق و طلب و توجه و عنایت از جانب او
- ۱۴۳) گزینه‌ی ۳ پاسخ صحیح است. مفهوم گزینه‌ی (۳): توصیف چشم معشوق / تقابل مست و محتسب  
 مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: غفلت، بی‌خبری و ریاکاری حاکمان
- ۱۴۴) گزینه‌ی ۴ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی ۴: ناآگاهی ناظران احکام شرعی و شاعران از احکام مفهوم سایر گزینه‌ها:  
 (۱) بی‌وفایی دنیا / نکوهش دل بستن به دنیا  
 (۲) فریب‌کاری روزگار / ضرورت غافل نشدن از فریب‌کاری دنیا  
 (۳) نکوهش کاهلی و سستی
- ۱۴۵) گزینه‌ی ۲ پاسخ صحیح است. منظور از هموار نبودن راه، مناسب نبودن شرایط اجتماعی برای رشد و آگاهی است.
- ۱۴۶) گزینه‌ی ۲ پاسخ صحیح است. سایر گزینه‌ها مانند بیت مطرح در سؤال تأکید می‌کند که عشق سبب ارزش‌مندی انسان می‌شود، در حالی که گزینه‌ی (۲) به «ناچیزی عاشق در برابر معشوق» و «ناتوانی در شناخت دوست» اشاره دارد.
- ۱۴۷) گزینه ۱ پاسخ صحیح است.  
 دارمش پیش ← پیش او دارم (قرار می‌دهم) / هر شبش بینی ← هر شب او (مفعول) را بینی / دوستیش ← دوستی او / کسیش آرد ← کسی او (مفعول) را آرد  
 همان‌طور که دیده می‌شود فقط در گزینه‌ی (۱) «ش» که باید بعد از «پیش» بیاید، بعد از «دارم» آمده و در سایر گزینه‌ها «ش» در جای خود قرار دارد.
- ۱۴۸) گزینه‌ی ۱ پاسخ صحیح است. بیت گزینه‌ی ۱ ما را به یاد این بیت مناظره‌ی خسرو و فرهاد می‌اندازد: «بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک / بگفت آن‌گه که باشم خفته در خاک»
- ۱۴۹) گزینه‌ی ۳ پاسخ صحیح است. در گزینه‌ی ۳ نیز می‌گوید اگر بخواهند باده‌کشان را اعدام کنند، همه پای چوبه‌ی دار خواهند رفت. (یعنی همه باده می‌نوشند.)
- ۱۵۰) گزینه‌ی ۴ پاسخ صحیح است. این بیت و بیت موجود در اصل پرسش ارزش بخشی عشق را مطرح می‌کند.
- ۱۵۱) گزینه‌ی ۳ پاسخ صحیح است. در این بیت آمده‌است: «هیچ هشیار دگر عیب نگیرد بر مست»، باید بدانیم «این‌جا کسی هشیار هست» (هشیار هست ولی دیگر هیچ هشیاری بر مست عیب نمی‌گیرد.)
- ۱۵۲) گزینه‌ی ۳ پاسخ صحیح است. گزینه‌ی ۱: نان به ظاهر حلال شیخ، از آب به ظاهر حرام ما بهتر نیست. (ترسم = مطمئن هستم) / گزینه‌ی ۲: توبه کردن از زهد و عار داشتن از توبه، تمسخر حافظ است نسبت به ریاکاران زمانش. / گزینه‌ی ۴: حلال و حرام که دو موضوع فقهی است دستاویز شاعر قرار گرفته است که نشان می‌دهد حلال را از حرام می‌شناسد. ولی در گزینه‌ی ۳: «رزاقیت» خدا بیان می‌شود.

۱۵۳) گزینه‌ی ۴ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک بیت صورت سوال و گزینه‌ی چهارم، «فقر اقتصادی» است. گزینه‌ی ۱: امید به گشایش کار/ گزینه‌ی ۲: گل، مژده‌دهنده‌ی کرامت خداست/ گزینه‌ی ۳: در مقابل دامن چاک شده‌ی عالم رندی، جامه‌ای نیز در نیک‌نامی می‌باید درید!

۱۵۴) گزینه‌ی ۴ پاسخ صحیح است. «افتان و خیزان رفتن» کنایه از عدم تعادل است و در مصراع دوم «ره هموار نیست» کنایه از این است که اوضاع اجتماعی نابسامان است، یعنی علت «افتان و خیزان رفتن من» (مستی) این است که اوضاع اجتماعی نابسامان است.

۱۵۵) گزینه‌ی ۱ پاسخ صحیح است. مفهوم بیت صورت سؤال این است که در سر انسان باید عقل و شعور باشد و نداشتن کلاه ننگ و عار به حساب نمی‌آید (اصل مهم است نه فرع)، «نداشتن کلاه» (کلاه پهلوی) نوعی بی‌احترامی به حساب می‌آمده که فرد مست بسیار رندانه و زیرکانه جواب می‌دهد.

۱۵۶) گزینه‌ی ۳ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی سوم، «دلیل آوردن برای نپرداختن غرامت» است. (بیان‌کننده‌ی فقر اجتماعی حاکم بر جامعه)

۱۵۷) گزینه‌ی ۲ پاسخ صحیح است. علت نادرستی سایر گزینه‌ها: در سه گزینه‌ی دیگر، شاعران عشق را مایه‌ی کمال وجود انسان می‌دانند (= دولت عشق بین که چون از سر فقر و افتخار / گوشه‌ی تاج سلطنت می‌شکند گدای تو). ولی در بیت گزینه‌ی دوم، شاعر به «جاودانگی عشق» اشاره دارد.

۱۵۸) گزینه‌ی ۳ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۳): کمال‌بخشی عشق به عاشق بررسی مفهوم سایر گزینه‌ها:

- ۱) زنده ماندن عاشق وابسته به عشق است. ۲) وفاداری عاشق
- ۴) اغراق در زیبایی معشوق / همه‌ی هستی از وجود معشوق زیبایی می‌گیرد.

۱۵۹) گزینه‌ی ۱ پاسخ صحیح است. در این گزینه نیز «گردیدن» به معنای «برگشتن» است.

۱۶۰) گزینه‌ی ۱ پاسخ صحیح است. معنی ابیات «۲، ۳، ۴» انسان به واسطه‌ی عشق و ایمان به سوی حق روانه می‌شود و نور عشق اگر هادی وی گردد اسرار و رموز و معرفت حق بر انسان هویدا خواهد شد. معنی بیت «۱» چنان با سرعت از جهان بگذر (دل نبستن) که وجود شمع روشنی‌بخش آیندگان باشد.

۱۶۱) گزینه‌ی ۳ پاسخ صحیح است. مفهوم سؤال: عشق، وجود بی‌ارزش مانند مس را به وجود ارزشمند مانند طلا مبدل کرده است. که همین مفهوم از بیت سوم دریافت می‌شود.

گروه آموزشی عصر

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

1	1	2	3	4
2	1	2	3	4
3	1	2	3	4
4	1	2	3	4
5	1	2	3	4
6	1	2	3	4
7	1	2	3	4
8	1	2	3	4
9	1	2	3	4
10	1	2	3	4
11	1	2	3	4
12	1	2	3	4
13	1	2	3	4
14	1	2	3	4
15	1	2	3	4
16	1	2	3	4
17	1	2	3	4
18	1	2	3	4
19	1	2	3	4
20	1	2	3	4
21	1	2	3	4
22	1	2	3	4
23	1	2	3	4
24	1	2	3	4
25	1	2	3	4
26	1	2	3	4
27	1	2	3	4
28	1	2	3	4
29	1	2	3	4
30	1	2	3	4
31	1	2	3	4
32	1	2	3	4

33	1	2	3	4
34	1	2	3	4
35	1	2	3	4
36	1	2	3	4
37	1	2	3	4
38	1	2	3	4
39	1	2	3	4
40	1	2	3	4
41	1	2	3	4
42	1	2	3	4
43	1	2	3	4
44	1	2	3	4
45	1	2	3	4
46	1	2	3	4
47	1	2	3	4
48	1	2	3	4
49	1	2	3	4
50	1	2	3	4
51	1	2	3	4
52	1	2	3	4
53	1	2	3	4
54	1	2	3	4
55	1	2	3	4
56	1	2	3	4
57	1	2	3	4
58	1	2	3	4
59	1	2	3	4
60	1	2	3	4
61	1	2	3	4
62	1	2	3	4
63	1	2	3	4
64	1	2	3	4

65	1	2	3	4
66	1	2	3	4
67	1	2	3	4
68	1	2	3	4
69	1	2	3	4
70	1	2	3	4
71	1	2	3	4
72	1	2	3	4
73	1	2	3	4
74	1	2	3	4
75	1	2	3	4
76	1	2	3	4
77	1	2	3	4
78	1	2	3	4
79	1	2	3	4
80	1	2	3	4
81	1	2	3	4
82	1	2	3	4
83	1	2	3	4
84	1	2	3	4
85	1	2	3	4
86	1	2	3	4
87	1	2	3	4
88	1	2	3	4
89	1	2	3	4
90	1	2	3	4
91	1	2	3	4
92	1	2	3	4
93	1	2	3	4
94	1	2	3	4
95	1	2	3	4
96	1	2	3	4

97	1	2	3	4
98	1	2	3	4
99	1	2	3	4
100	1	2	3	4
101	1	2	3	4
102	1	2	3	4
103	1	2	3	4
104	1	2	3	4
105	1	2	3	4
106	1	2	3	4
107	1	2	3	4
108	1	2	3	4
109	1	2	3	4
110	1	2	3	4
111	1	2	3	4
112	1	2	3	4
113	1	2	3	4
114	1	2	3	4
115	1	2	3	4
116	1	2	3	4
117	1	2	3	4
118	1	2	3	4
119	1	2	3	4
120	1	2	3	4
121	1	2	3	4
122	1	2	3	4
123	1	2	3	4
124	1	2	3	4
125	1	2	3	4
126	1	2	3	4
127	1	2	3	4
128	1	2	3	4

۱۲۹	۱	۲	۳	۴
۱۳۰	۱	۲	۳	۴
۱۳۱	۱	۲	۳	۴
۱۳۲	۱	۲	۳	۴
۱۳۳	۱	۲	۳	۴
۱۳۴	۱	۲	۳	۴
۱۳۵	۱	۲	۳	۴
۱۳۶	۱	۲	۳	۴
۱۳۷	۱	۲	۳	۴
۱۳۸	۱	۲	۳	۴
۱۳۹	۱	۲	۳	۴
۱۴۰	۱	۲	۳	۴
۱۴۱	۱	۲	۳	۴
۱۴۲	۱	۲	۳	۴
۱۴۳	۱	۲	۳	۴
۱۴۴	۱	۲	۳	۴
۱۴۵	۱	۲	۳	۴
۱۴۶	۱	۲	۳	۴
۱۴۷	۱	۲	۳	۴
۱۴۸	۱	۲	۳	۴
۱۴۹	۱	۲	۳	۴
۱۵۰	۱	۲	۳	۴
۱۵۱	۱	۲	۳	۴
۱۵۲	۱	۲	۳	۴
۱۵۳	۱	۲	۳	۴
۱۵۴	۱	۲	۳	۴
۱۵۵	۱	۲	۳	۴
۱۵۶	۱	۲	۳	۴
۱۵۷	۱	۲	۳	۴
۱۵۸	۱	۲	۳	۴
۱۵۹	۱	۲	۳	۴
۱۶۰	۱	۲	۳	۴

۱۶۱ ۱ ۲ ۳ ۴



مای درسی

گروه آموزشی عصر

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)